

طرح پیشنهادی جهت ملی کردن...
۲۸ مرداد، توطئه امپریالیسم
کابوچی، خدمتگزار، دوست...
دادگاههای انقلاب
شعر (درخت زیتون)
اخبار



فَكَذَّبُوا بِآيَاتِنَا كَذِبًا مُّبِينًا وَأَعْتَدْنَا لَهُمْ عَذَابًا أَلِيمًا

سال اول شماره ۱۹

چهارشنبه ۳۱ مرداد ۱۳۵۸

در قانون اساسی اسلامی
حق هر کس در بهره برداری از
منابع طبیعی به کمک کار مثبت
خلاق که انجام میدهد نصیب او
میشود

بها ۱۰ ریال

# امام بر روی ضعفها

## انگشت گذاشتند

### ضرورت اتخاذ روشهای انقلابی و وحدت نیروهای خلقی

● آیا میتوان در دشمنی سرمایه داران، بانکداران، رباخواران، مرتجعین و فرصت طلبان از هر رنگ و ماهیت با انقلاب تردید کرد؟

معتقدیم که در هیچ شرایطی و به هر دلیل و مصلحتی نباید مردم را فریب داد و حقیقتی را از آنها پنهان کرد. هیچ مصلحتی بالاتر از مصالح عالی انقلاب و مکتب و خلق نیست و همه مصلحت‌های دیگر شخصی یا گروهی، در صورت لزوم باید فدای آن گردد. هیچ چیز بالاتر از حقیقت نیست، بطوریکه حتی مصلحت مردم با انقلاب هم نمی‌تواند و نباید ما را از اظهار حق و دفاع از حقیقت و آشکار کردن آن باز دارد. و هم در این راه تحمل هر گونه سرزنش، خسارت، زحمت و دردمس - زبان و خسران، رواست.

... که اظهار و بیان حق و دفاع از حقیقت، هرگز با مصالح واقعی انقلاب و خلق و مکتب تضاد و مغایرتی ندارد که به عکس برای حفظ اصالت و تداوم آن ضروری است.

... برای آنکه حقیقتی مورد توجه مردم قرار گیرد ...

# آیا براستی در شهر خبری نیست؟

## اگر ما صدای طوفان را نمی‌شنویم بوقاع طوفانی آغازیدن نمی‌گیرد؟

این بار روی سخن با هیچ کس و هیچ مقام و هیچ مرجع بخصوصی نیست، چه به‌خواص، کسرا یا بطور سربسته و سرگشاده نوشتند و گفتند و صد افسوس که جز بی‌تفاوتی و در نهایت، برچسب و تهدید پاسخ دیگری نگرفتند. اینبار قبل از هر چیزی خطاب به همه مردم است. به هر کسی که نگران سرنوشت انقلاب است و بالاتر از آن دلهره آینده اسلام را دارد، خطاب به همه بازماندگان نهضت‌های گوناگون کفن انقلاب اسلامی است که شهیدان همه ما بودند و شاهدان همه بی‌همتی‌ها و بی‌مسئولیتی‌های امروزیمان، طرف سخن، هر انسان دردمندی است که نگران پایمال شدن خون بیش از هفتاد هزار شهید و متجاوز از یکصد هزار زخمی و مسجروح است...

اینک همه سؤال می‌کنیم که در کجای فرهنگ انقلابی جهان نوشته‌اند که پس از سقوط رژیم، تنها جانیان رژیم، پاسبان، سرباز و افسر است و تنها باید همین‌ها را اعدام کرد؟ در کجای فرهنگ انقلابی اسلام، زمیندار و زمینخوار و سرمایه‌دار و رباخوار، مسند شناخته شده و تنها پاسبان و سرباز «فاسد» تا آگاه و مأمور «مفسد» بشمار آمده است؟ چرا در این انقلاب حتی یک نفر - آری فقط یک نفر - سرمایه‌دار، زمین‌دار، زمین‌خوار و رباخوار را دراز نکرده‌اند؟ مگر مصداق واقعی «مفسد فی الارض» همین سرمایه‌داران، زمین‌داران، زمین‌خواران و رباخواران نمی‌باشند که به نص صریح قرآن دشمنان خدا و دین خدا و خلق خدا هستند؟ مگر همین‌ها نیستند که با ایجاد جو و آتمسفر خاصی زمینه‌ساز رشد فساد و فاسد و مفسدند؟ مگر به گواهی تاریخ، همین‌ها نبوده‌اند و نیستند که در هر حالی سیستم سیاسی - نظامی خاص خود را ایجاد می‌کنند تا حافظ منافع خودشان باشند؟ آیا با توجه به اصول محکم تربیتی اسلامی صحیح است که با معسول‌های فساد بتوان علت فساد مبارزه کرد اما خود علت لعل فساد را بتوان معلول مسکوت گذاشت - که سهل است عاملین آنها را نیز تقویت نمود؟



### دولت باید

### با شدت

### رفتار کند

### امام خمینی

امام خمینی خطاب به اقتدار مختلف مردم در مدرسه فیضیه قم بنسبت روز قدس طی بیاناتی روشنگر چنین فرمودند:

بقیه در صفحه ۷

# اقتصاد ایران در مدار بسته امپریالیسم

## تا هنگامیکه دستهای اقتصادی امپریالیسم در ایران از بین نرود امکان رسیدن به استقلال سیاسی و اقتصادی برای خلق مسلمان غیر ممکن است

### دکتر حسن توانایان فرد

### عساری ایران

### بعد از انقلاب

می‌روند - هر چه راه می‌روند بیچاره سرجای اول خود فرار دارند - آنها کار میکنند تا سود سرتیار عاید صاحبان کنند آمریکا از کشورهای زیر سلطه اش دکان عساری درست کرده است که در آن بجای قاطر و اسب انسانها هستند که بوسیله کارخانه‌های غریبی بیکدیگر بسته شده‌اند و هر چه میدوند هر چه تقلا میکنند قدیم بجلو نمیروند و از نظر توسعه اقتصادی درجا می‌زنند. آنها میدوند، کوشش می‌کنند، کار می‌کنند و حتی قربانی و شهید میدهند ولی آمریکا و امپریالیسم سودش را می‌برند. در عساری آمریکا یعنی کشورهای زیر سلطه غرب آمریکا چشم آگاهی انسانها را ابتدا می‌بندند تا چون اسب عساری بدون ولی ندانند که جلو نمی‌روند و درجا می‌زنند. بستن چشم آدمها در عساری آمریکا بوسیله سانسور مطبوعات، سانسور رادیو تلویزیون، اختناق و کشتن قلم و بیان آگاهان و حتی نابود کردن آگاه کنندگان انجام میشود. در عساری امپریالیسم ایران، ایرانیان به بند کشیده شده‌اند تا هر روز کار کنند و سودش را آمریکا و امپریالیسم شرق و غرب ببرند.

عساریهای آمریکا و امپریالیسم در ایران نامهای مختلف دارند: کارخانجات ایران ناسیونال، کارخانجات مونتاز رادیو، تلویزیون پخشجال و خلاصه کلیه کارخانجات وسائل برقی و غیر برقی مصرفسی مونتاز از جمله عساریهای امپریالیسم در ایران میباشند. برای اینکه یک عساری بکار افتد باید ابتدا اسب و فانتز آماده برای عساری داشت: باید مدیر و ترگر - بنر و فعال نیرداشت و باید علف و بونه برای اسب و پادام و غیره برای عساره گرفتن سبز داشت در عساری امپریالیسم یعنی ایران لازم بود که ابتدا کارگر داشت شاه خاکن با اسباج اصلاحات ارضی سبب شد تا کارگران کشاورزی از روستا رانده شوند و به شهرها بیایند تا در کارخانجات مونتاز مصرفی غریبی یعنی در عساری غرب در ایران بکار مشغول شوند.

بقیه در صفحه ۶

# چرا شورای اسلامی کارخانه

## یک و یک ۲۴ ساعت پس از تشکیل

## منحل می‌گردد؟

## گزارشی از کارخانه یک و یک (دشت مرغاب)

مقدمه:

بسمه تعالی. در دهه اخیر ایجاد کارخانجات صنایع غذایی در کنار کشت و صنعت‌ها گامی فزاینده در جهت وابستگی هر چه بیشتر اقتصاد کشور به اقتصاد کشورهای امپریالیستی بوده است. نقش صنایع غذایی از آنجا آشکار می‌شود که با اجاره زمین‌های مزروعی به‌بهای اندک و استخدام کشاورزان در کارخانه در جهت استثمار مضاعف کارگران عمل می‌کنند. در این رابطه و با توجه به اهداف انقلاب مبتنی بر حاکمیت اراده مستضعفین و اعتقاد به اینکه این حاکمیت صرفاً از طریق شوراهای امکانپذیر است بنا به دعوت جمعی از خواهران و برادران کارگران در جهت تشکیل شورای اسلامی کارخانه به آنجا

بقیه در صفحه ۵

# گزارش مراسم روز قدس

قدس میعادگاه، مسلمانان جهان، یادآور پیگیری مبارزات خلق قهرمان مبارز فلسطین است. با اعلام رهبر انقلاب اسلامی ایران آخرین جمعه ماه مبارک رمضان روز قدس نامیده شد. روز همبستگی مسلمانان جهان علیه دشمن مشترک یعنی امپریالیسم جهانی بسرکردگی آمریکا و صهیونیسم غاصب. روز قدس، روز اسلام نامیده شد. روز پاسحکونی بنیاد برادران و خواهران فلسطینی و جنوب لبنان که هر روز بوسیله جنایتکاران اسرائیلی مسجروح و سوزدهند و تجاوز قرار میگیرند. بی‌شک یکی از مهمترین علل سلطه اسرائیل بر سرزمین فلسطین، ناشی از عدم وحدت و همبستگی مسلمانان است. روز قدس گامی بوده برای ایجاد وحدت و همبستگی مسلمانان معتمد جهان در نابودی دلال امپریالیسم در خاورمیانه. بیسی اسرائیل و این همبستگی و پیوند مقدس خلق مسلمان در سراسر جهان اسلام جوابی بود به پیوند ناسفدس و شوم سادات - بگین و کارتر، روز جمعه نه‌تنها اسرائیل بلکه اکثر کشورهای مسلمان، بدینال پیام انقلابی امام خمینی بسطرقدراری و حمایت مسلمانان از نهضت انقلابی فلسطین، شاهد یک سیخ توده‌ای همه‌جانبه بود. امام با این پیام انقلابی بار دیگر خون غیرت و آزادی را در رگهای خشکیده امت اسلامی بجریان درآورد. و گامهای بلندی در جهت وحدت خلقهای مسلمان جهان، در راه هدف مقدس اسلامی برداشت. این اولین بار بود که دنیای اسلام شاهد چنین بسیج عمومی بود. دیروز تهران نیز همانند سایر شهرهای ایران در

بقیه در صفحه ۵

# تأمین ابزار کار و وسایل معیشت برای همه

## مباحث ایدئولوژیک دکتر بهمان ۷

### ● روش پیغمبر اسلام برای حل مسئله فقر کاملاً تازه و انقلابی است، زیرا مناسبات و روابط موجود را بکلی در هم می‌ریزد.

گرسته وجود دارند - حتی بیشتر از جوامع فقیر - در جامعه‌ای که سطح تولید پایین است و طبیعت فقیر، خوراک و کالا در مجموع کمتر از نیازمندی همه افراد است و اگر کسی بخواهد زیاده‌طلبی کند و سهم بیشتری بخواهد اختصاص دهد بیم آن هست که بسیاری چیزی بدست نیآورند و در نتیجه نتوانند ادامه حیات بدهند - چنین وضعیتی برای هیچکس مطلوب نیست آنها که دوستدار قدرت یا ثروت بیشتری هستند بخواهی می‌دانند مردم منبع قدرت و ثروت می‌باشند - اگر مردم نباشند، چه کسی زمین را کشت، درختان را قطع معادن را استخراج، آهن را نرم، بارها را حمل و آتش را گرم و شعله‌ور نگاهدارد - اگر مردم نباشند چه کسی شمشیر بردارد و جنگ برود، از شهر و خانه و کباخ و مال و اموال آنان پاسداری کند اگر مردم نباشند چه کسی خانه و کاخ بالا برد و گوسفندان را بدوند و گندم را آرد و نان

بقیه در صفحه ۲

# پیش بسوی تشکیل جبهه واحد اسلامی ضد استبدادی، استعماری و استثمارگری بهره‌بری امام خمینی



امام‌پروری ...

دارند - و با تسویه به‌ریشه‌های عمیق و گسترده در ساخت اجتماعی - اقتصادی و در فرهنگ جامعه - و برخورداری از حمایت مادی، تبلیغاتی امپریالیسم بر صهیونیسم جهانی، تهدیدشان جدی و مقابله با آن‌ها فوریت تام دارد.

۲ - در جبهه ضد خلقی و ضد انقلاب چه نیروهای در کنار عوامل امپریالیسم و استبداد قرار دارند؟ آیا می‌توان در دشمنی سرمایه‌داری وابسته به استعمار و امپریالیسم با انقلاب تردید کرد، آیا می‌توان در دشمنی سرمایه‌داران، بانکداران، ریساخواران، مرتجعین و هرست‌طلبان از هر رنگ و ماهیت با انقلاب تردید کرد؟

۳ - عملکرد دشمنان انقلاب بخوبی معلوم و شناخته است با تضعیف جبهه خلق با ایجاد اختلاف و تفرقه و دامن زدن به‌جنگهای خانگی - بر خوردهای گروهی ایجاد آشوب و اغتشاش و ناامنی، سپاسی و تبلیغات و جنگهای روانی، فلج کردن کارها، تشدید بحران اقتصادی و بیکاری، ایجاد لاسردی و ناامیدی ضربه زدن به اعتبار و نفوذ رهبری و بزرگ کردن نقاط ضعف و سلب اعتماد از انقلاب و تضعیف روحیه مردم.

از دشمنان انقلاب هر نوع دشمنی و خصومت انتظار می‌رود و آنچه تا کنون انجام داده‌اند از قیل پیش‌بینی می‌شد و هشدار می‌دادیم.

۴ - در جبهه انقلاب چه ضعف‌هایی وجود داشت که خود به‌خود به‌نفع دشمنان ما تمام شد آیا ما از آغاز در برخورد با دشمن عملکرد صحیح و حساب شده‌ای داشته‌ایم - بنظر ما قوت دشمن در ضعف ما بوده و هست - در روزهای بعد از سرنگونی رژیم جبهه مردم در اوج قدرت و استحکام و اتحاد بود و می‌توانست با قاطعیت با مسائل مهم کشور و انقلاب برخورد کند و زمینه‌های کار و فعالیت دشمن را از پیش نابود ساخته - توطئه‌ها را در نقطه خفه سازد - اگر چنانکه بارها از ابتدا نوشتم و گفتیم - دولت با قاطعیت انقلابی - عمل

تأمین ابزار کار و ...

چنانکه گفتیم مردم برای زنده ماندن و کار کردن بیک حداقلی از خوراک و لباس و مسکن و وسایل زندگی احتیاج دارند - ما زاد بر آن هر قدر تولید نبود - بجای اینکه موجب ارتقاء سطح زندگی همگان گردد، تنها بیچارگی و خانه‌کسائی سرازیر می‌شود که قدرت یا مالکیت دارند - اختلاف از این لحظه آغاز می‌شود یا افزایش تولید - اختلاف عمیق‌تر می‌گردد توده عظیم تولیدکننده‌ها همشان تقریباً ثابت می‌ماند و یا بسیار کم تغییر می‌کند اما حکام و مالکان بخش عمدهٔ مازاد تولید را برمی‌دارند و با سرعت تروتمند می‌شوند - بهمین جهت اختلاف طبقاتی و محرومیت و تبعیض در جوامع تروتمندتر بیشتر مشهود و چشمگیر است - در یک جامعه فقیر که عموم مردم دچار آن هستند محرومیت تک‌تک خانواده‌ها کمتر زنده است اما در جامعه‌ای که بعضی ثروت و ثروت و ثروت فراوان دارند - محرومیت دیگران آشکار و زنده، و سؤال‌انگیز است - در برابر جامعه نخستین برای کسی این سؤال مطرح نمی‌شود که چرا بعضی محروم و بعضی بهره‌مندند اما در جامعه تروتمند، این سؤال فوراً بذهن می‌آید که بیچه دلیل معدودی ثروتها اثباته دارند و انبوهی گرسنه و محروم، پس ریشه‌کن کردن فقر و محرومیت تنها با بالا بردن قدرت تولید اقتصادی جامعه میسر نیست بلکه در همانحال و زودتر از آن لازم است ترتیب توزیع ثروت و استفاده از محصول تولید شده اصلاح گردد بخوبی که با افزایش تولید، همه مردم یکسان بهره‌مند شوند.

چه عاملی سبب محرومیت و فقر در جوامع طبقاتی است؟ چرا بعضی تروتمند و بسیاری محروم و فقیر می‌مانند؟ چه چیز باعث می‌شود بخش عمدهٔ محصول به‌عده‌ای معین اختصاص یابد و کسانی که مستقیماً در تولید شرکت داشته‌اند محروم بمانند؟ آن عده معدود چرا به خود حق می‌دهند - بخش اصلی محصول و یا هر چه مازاد بر حداقل احتیاج تولید کنندگان است، تصاحب کنند: جواب اینستکه آنها خود را مالک ابزار کار و یا زمین و منابع و مواد طبیعی می‌دانند - در بعضی ادوار این تمکک انسانها را هم شامل می‌شد بعضی اربابان انسان و چاربا و زمین و ابزار و آب و معدن و ... - و مالک‌اند و بقیه حتی بر کنار خود هم حق و تسلط ندارند. اربابان به‌اتکاء حق مالکیت محصول را از آن خود می‌دانند.

تا وقتی تولیدکننده مالک ابزار کار خود نباشد و تا وقتی مواد اولیه طبیعی و زمین و آب و معدن در ملکیت اختصاصی بعضی افراد است، از این تقسیم نابرابر

می‌کرد و امروز وضع دیگری می‌داشتیم.

دولت می‌بایست با اجرای چند طرح و برنامه انقلابی، ضربات جدی بر ریشه‌های استعمار و عوامل بیگانه وارد آورد، در سرکوبی دشمن و عوامل مزدور و سحاکمه و اعدام آنها تسلل نکند و بجای تسخسته دادگاههای انقلاب قاطعیت آنها را تأیید می‌کرد و اجازه نمی‌داد بسیاری عوامل مفسد و وابسته به‌رژیم از مجازات معاف و آزاد گردند و به‌صفت تسوخته‌گسران بپوسته، امید نازاری برای دشمنان انقلاب بوجود آورد، می‌بایست در قطعید سرمایه‌داران مزدور رژیم و وابسته به‌امپریالیسم از صنایع، تجارت و بقیه تروتهای مملکت و شرکتهای اقتصادی کشور درنگ و تردید

می‌بایست جلوی نفوذ عوامل ارتجاع را می‌گرفتیم و اجازه نمی‌دادیم با طرح شمشیرهای انحرافی و درگیریهای غیراصولی و خشونت‌بار محیط را بر آشوب و سوءظن کنند و بناگاهای برای عوامل مزدور دشمن و سرمایه‌داران و ضد انقلابیون بوجود آورند. در این رابطه مسئولیت روحانیون پیشرو و مترقی بسیار خطیر و سنگین بوده است. آنان می‌بایست جبهه انقلاب را از نفوذ عوامل ارتجعی دور نگاه داشته - آنانرا از صفوف خود طرد و با قاطعیت فعالیتهای عوامل مسزبور را در منحرف ساختن مسیر مبارزه خشی نمایند. عملکرد این نیروهای ارتجعی در حمایت از

● آیا ما از آغاز در برخورد با دشمن عملکرد صحیح و حساب شده‌ای داشته‌ایم؟  
● دولت می‌بایست با تشکیل شوراهای مردمی در شهرها، کارخانجات، ادارات، ارتش و ... مخالفت نکند  
● کار عوامل ارتجعی اگر با سکوت روحانیون مترقی روبرو و همراه گردد، موجب لگندار شدن چهره انقلاب و اسلام می‌گردد

نکند. می‌بایست با تشکیل شوراهای مردمی در شهرها - کارخانجات و ادارات و ارتش و ... مخالفت نکند و با تشویق و هدایت این برنامه قدرت مردم را مستلور ساخته، همکاری آنها را در تصفیه و بازسازی ادارات، ارتش و اقتصاد صنعتی و کشاورزی کشور جلب کند. می‌بایست با بسیج و وسیع نیروهای خلق و میلیونها جوان مجاهد و مؤمن به‌انقلاب - کشور را از وجود عناصر نامطلوب پاک و برنامه‌های انقلابی در کلیه زمینه‌ها را با سرعت و مرحله اجرا درآورد. می‌بایست به‌نیروهای انقلابی و اصیل مسلمان اعتماد کرده و همکاری آنها را در مبارزه با دشمن و در بازسازی جامعه جلب نماید.

۶ - شرایط حساس و بیاریک کنونی ایجاد می‌کند همه نیروهای مبارز و مؤمن به‌انقلاب بمنظور مقابله مشترک با دشمنان اصلی یعنی امپریالیسم و استبداد و برای محور مناسبات استعماری در کنار هم قرار گیرند موانع این راه را از پیش با بردارند. از طرح هر شعار انحرافی یا درگیریهای غیراصولی و مغایر با مصالح انقلاب و وحدت خلق جلوگیری کنند و همه قوای خود را بسرای دفع خطر اصلی و دفاع از دستاوردهای انقلاب بکار برند.

۷ - از آغاز معقد بودیم که اگر دولت با برخوردی قاطع و همراه با طرحهای انقلابی به‌مسائل اساسی و فوری اقدام میکرد و ابتکار اجرای طرحهای رفاهی کوتاه مدت و اصلاحات اجتماعی نظیر قطعید از مالکان و فئودالها و تصفیه مزدوران رژیم پیشین و همچنین تشکیل شوراهای ایالتی را بدست می‌گرفت - اعتماد برادران ما در کردستان، نسرکن صحرا، خوزستان و بلوچستان و ... نسبت به‌انقلاب تحت تأثیر تبلیغات و فعالیتهای عناصر مزدور و دست‌نشانده و فرصت طلب آسیب نمی‌دید و برادران کرد ما خود جلوی هر گونه فعالیت ضد انقلابی را گرفته خاتمان را بسزای اعمالشان می‌رسانند.

اکنون که توطئه و به‌رشد ضد انقلاب به‌مراسل خطرناک رسیده است و خطر درگیری‌های نظامی کشور را به‌جنگهای داخلی تهدید میکند، اکنون که نقشه‌های امپریالیسم تا حدودی جامه عمل می‌پوشند و ارتش پیش از تصفیه کامل از عناصر نامطلوب ناچار به‌انجام وظیفه در برابر ضد انقلاب است، هشیاری بیشتری از جانب همه نیروهای مسئول لازم است از بروز هر فاجعه‌ای جلوگیری شود و مصالح انقلاب و مردم حفظ گردد.

به‌نظر می‌رسد که هنوز برای برقراری رابطه نزدیک و مستقیم با برادران کرد ریزنده است. حساب مردم کردستان را باید از حساب ضد انقلاب جدا کرد. هر برنامه‌ای برای حل مسئله باید با مشارکت و همکاری برادران کرد ما اجرا شود. تصفیه ارتش با توجه به‌حادثه هفته قبل ارومیه و حوادث نظیر آن باید مورد تسوچه فوری قرار گیرد. آنچه امام در سخنان چندروز قبل خود

خانه و وسایل کار و مرکب و مرتع را ارزان و به‌اقساط و بصورت تسهیل بفروشند و بمقرضین آسان بگیرند، بازهم قابل قبول بود.

این راه حل را کسانی که زمین و اسلک و آب اضافی داشتند، توصیه و پیشنهاد می‌کردند، از جابربن عبدالله انصاری نقل است که «بعضی از افراد ما که زمین‌های کشاورزی اضافی داشتند گفتند آنرا در ازای یکسوم یا چهارم و یا نصف محصول به‌اجاره می‌دهیم» اما پیامبر اسلام راه‌حل نوبی در نظر داشت که برای همه تازه و انقلابی می‌نمود و اگر مخاطبان وی از مؤمنان راستین، مجاهد و مهاجر و متقی نبودند هرگز زیر بار نمی‌رفتند. ایشان چنین مقرر داشت: «هرکس زمین وسیع و یا اضافی دارد باید آنرا کشت کند و یا بدهد و یا او را برای کشاورزی در آن سه مزدوری بگیرد.»

در جای دیگر فرمود: «زمین را یا خودتان بکارید و یا بدهید به‌برادران بکاره» در حالیکه در آن موقع ترتیب اجارهٔ زمین و گرفتن سهم مالکانه رواج داشت واقعین خدیج گزارش می‌دهد «پیامبر ما را از کاری منع کرد که به سود و صلاح و حرهٔ ما بود. ما (بیش از آن)

قلعرو نفوذ خود در اختیار گرفته دیگران را از استفاده از آنها منع نسایید و این عمل را در اصطلاح حَمِي می‌گفتند به‌این ترتیب که رئیس قبیله و هر صاحب قدرت دیگری وقتی در قلمرو سربز ساکن می‌شد در اطراف خود تا آنجا که صدای پارس سگش می‌رسید منطقه قرق اعلام می‌کرد کسی حق عبور و استفاده از آن را نداشت و در حوزهٔ قدرت و نفوذ خود هر گونه اعمال زور و ظلم را برای خویشان روا می‌دانست - پیامبر اسلام بمحض استقرار در مدینه به‌این ترتیب جاهلی و فئودالی را الهاء و فرمود «لا حمی! الله» و بطور کلی زمین را منحصرأ در ملکیت خداوند دانست: «زمین از آن خداوند است که آنرا بر بندگانش وقف کرده، هرکس زمینی را سه سال متوالی بدون علت مطلق نگاهدارد، از او گرفته می‌شود و بسدیگری واگذار می‌گردد - هرکس زمینی دارد باید آنرا کشت کند و یا بدهد برادرش کشت کند و حق ندارد از او ثلث یا ربع محصول یا چیز دیگری بگیرد.»

بر همین اساس خدا همین اصل خدا مالکی اراضی و تعلق آن به‌کسی که آنرا کشت می‌کند، پیغمبر مصادره اراضی شهاب و سلاطین و مسلوب طوایف و دیگر مالکان بزرگ را لازم نمود.

● تا وقتی تولیدکننده مالک ابزار کار خود نباشد و تا وقتی مواد اولیه طبیعی و زمین، آب و معدن در ملکیت اختصاصی بعضی افراد است، از این تقسیم نابرابر محصول و محرومیت و فقر ناشی از آن گریزی نیست

در ازای گرفتن خراج جنسی و یا تسدق زمین را به‌دیگران می‌دادیم»<sup>۱۵</sup> استاد قدیمی کلاذان بر این واقعیت‌اند که پیامبر اسلام هر نوع ترتیب اجاره و کرایه زمین و یا مخاربه یعنی گرفتن سهمی از محصول (ک - ه - ا - و ...) به‌عنوان سهم مالکانه را تقیح و منع فرمود و با صراحت اعلام کرد: که زمین را یا خودتان بکارید یا بدهید (بیخشد). به‌برادران بکاره.

عومومی کردن اراضی و مراتع پیش از استقرار نظام توحیدی در مدینه علاوه بر اینکه هرکس می‌توانست اراضی کشاورزی و عیمی را در ملکیت داشته باشد و برای کشت و زرع آنها از ترتیبات مختلفی مثل مزدوری - کرایه، اجاره، و تقسیم محصول و اخذ ربع و ثلث و نصف استفاده کنند، هر صاحب قدرتی می‌توانست اراضی بایر و مراتع را در

در نامهٔ خلیفهٔ دوم به‌سعد بن ابی وقاص می‌خوانیم: «... اما اراضی و رودها را بین مردم قسمت نکن بلکه در اختیار کسانی قرار بده که روی آنها کار کنند و ثروت‌های مزبور همچنان سرمایه عمومی مسلمان باقی بماند...»<sup>۱۶</sup> آیات انفال در پاسخ تقاضای کسانی نازل گردید که تقاضای تقسیم اراضی آزاد شده را می‌کردند «ای پیغمبر

عومومی کردن اراضی و مراتع پیش از استقرار نظام توحیدی در مدینه علاوه بر اینکه هرکس می‌توانست اراضی کشاورزی و عیمی را در ملکیت داشته باشد و برای کشت و زرع آنها از ترتیبات مختلفی مثل مزدوری - کرایه، اجاره، و تقسیم محصول و اخذ ربع و ثلث و نصف استفاده کنند، هر صاحب قدرتی می‌توانست اراضی بایر و مراتع را در

اطهار داشته عیناً نظریات و پیشنهادهای است که از مدتها قبل ارائه داده‌ایم و طسی آن خسواستار تسخیر در روش‌های موجود شدیم. خواستیم تا مرکزیت قوی و انقلابی و منسجم بوجود آید تا برنامه‌های انقلابی را با قاطعیت به‌مرحله اجرا بگذارند با هر نوع تسوخته ضد انقلابی برخورد و آنرا سرکوب نماید.

بجاست که همه نیروهای مبارز و مؤمن به‌انقلاب از نظریات امام استقبال کنند. موقع را برای به‌مرحله اجرا گذاشتن طرح وحدت نیروها و تشکیل مرکزیت قوی و انقلابی غنیمت شمارند و همه نیروهای مردم را بیکارچه برای مقابله با دشمنان ناسرخمی استعمار، استبداد و استعمار به‌رهبری امام خبثی بسج و متحد سازند. والسلام

آیا پراستی در شهره ...

و رباخوران تا بدانجا پیش نازند که این معسدين غالباً فراری قبل از دوران انقلاب، به‌هنگام تحقق هدفهای آن، مزورانه بازگردند و هر یک بهتر از گذشته - اما ابتیار تحت لوای اسلام و انقلاب اسلامی - به‌مکیدن هر چه بیشتر خون مردم مستضعف ما بشیستند و به‌ریش اسلام و انقلاب اسلامی ما هم بخرند؟

بانکها

این چگونه ملی کردن بانکهای ربوی ضد اسلامی بود که صاحبان سهام خونخوار و رباخور آنها راهواره مطمئن و مطمئن‌تر کرده‌اند؟ چرا فریاد ابودر - این صحابی انقلابی راستین - را نمی‌شنوند که میگفت «این سرمایه‌ها را از کجا آورده‌اید؟ مگر به‌گفته علی (ع) متبون تصور کرد که مال جمع شده ظالمی از حق ضایع شده مظلومی گردآوری شده باشد؟

صنایع

این چه نوع ملی کردن صنایع بود و تازه با همان وضمن هم مسکوت گذاشته شد؟ چرا قبول نمی‌کنند که عقل معاش کارخانه‌داران و سرمایه‌داران بزرگ همواره از عقل معاد من و نوری مسلمان دقیق‌تر کار می‌کند؟ چرا بجای اینکه دارائی واقعی سرمایه‌داران و کارخانه‌داران و اعوان و انصار غارتگر آنها را بدون استثناء مصادره کنند با ملی کردن برخی از آنها تنها بدهی‌ها و تعهدات سرمایه‌داران بدهکار را به‌گردن ملت مستضعف مسا انداخته‌اند؟ چرا تاوان عیاشی‌ها و خوشگذرانیهای این غارتگران را از کیسه بیت‌المال مسلمان می‌سر دارند؟ مگر فریاد ربمای قرآن را نمی‌شنوند که میگوید «الانزور ازوه و زر اخری؟» چرا با سپاده کردن اصل همیشه جاوید «لیس للانسان الا ما سعی» نمی‌خواهند حق مسلم همه انسانهای زحمتکن را از هر تسوع خونخوار غارتگر و غارتگر خونخوار باز پس بگیرند؟

مالکیت ارضی

این چه نوع ملی کردن زمین است که مالکین فراری دوران رژیم مزدور مجدداً بازگشته (از جمله در اطراف ارومیه و ...) و روستائیان مسلمان ما را در پرتو انقلاب اسلامی، از حق مسلم «الزرع للزارع» و «الارض لمن احياءها» محروم می‌سازند؟ چرا اجازه می‌دهد در زیر پرچم انقلاب اسلامی بجای اینکه روستائیان مستضعف حق مسلم خود را به‌جنگ آورد فئودالها برگرده آنها سوار شوند؟ چرا می‌خواهند از هزار بیج و خم ماده و تبصره عبور کرده تنها اراضی موات را ملی کنند؟ کدام اسلام انقلابی قبول نتواند کرد که این زمین‌داران خونخوار هرگز «تسجیر» و «تجیر» زمین نکرده‌اند؟ اگر به‌فرض محال اندر محال هم قبول نمائیم که این غارتگران، زمین را آباد کرده‌اند مگر بروشی نمی‌بینیم که اینان با لگدمال کردن اصل محکم «الاضرر والاضرار»، بیبانه «آباد» کردن زمین و «احیاء» خود و خویشان خود، زمین خلق‌الله را به‌ورانی کشانده با گرفتن هستی روستائیان - این صاحبان واقعی زمین - عملاً «اعدام» کرده‌اند (شرکتهای مختلف کشت و صنعت)؟

از تو درباره انفال می‌پرسند، بگو انفال متعلق به‌خدا و رسول است - پس از خدا بترسید و تقوی پیشه کنید و اختلاف بین خود را اصلاح کنید و اگر مؤمن هستید از خدا و پیغمبرش اطاعت کنید» و انفال همه اراضی و املاک که بدون جنگ نصب مسلمان می‌شود - همهٔ اراضی موات و هر زمین بدون صاحب و متروک - مراتع - کوهها، اراضی بیابانها، جنگلها، معدن، املاک و اسوال سلاطین، شاهان، املاک غیرغصبی که به‌دیگران به‌اقطاع داده‌اند - میراث اشخاص بدون وارث و ... را شامل می‌شود»<sup>۱۸</sup>

تا برقراری جامعه بی‌طبقه توحیدی نهضت ادامه دارد



# دادگاههای انقلاب

عملکرد فعلی دادگاهها به هیچ وجه انقلابی نیست.

انقلاب خلق مستضعف ایران در برابر رژیم سفاک پهلوی سرانجام منجر به پیروزی راسخ شاه و عناصر وابسته اش گردید و قدرت را بدست گرفت پیشک تعداد خائنین در دستگاههای وابسته فاسد که زائیده پنجاه سال جنایت و خیانت امپریالیستها بدست خاندان کیف پهلوی کم نیستند عواملی که هرکدامشان میتواند خطر بالقوه ای برای انقلاب باشند.

بعد از فرار مستضعفان شاه و عقب نشینی امپریالیسم آمریکا پایگاههای دشمنی تا حدودی درهم شکسته شدند و انسجام سازمانی آنها از هم گسیخته گردید.

یکی از مهمترین این پایگاهها ارتش مزدور و ضد خلقی بود که در یک دوره طولانی بوسیله مستشاران انگلیسی و آمریکایی با پیروزی و سازمان دهی شده بود تا بتواند در مواقع ضروری حرکتهای انقلابی را سرکوب کند.

در طول این پنجاه سال بارها شاهد بودیم که ارتش بگونه با کشتارهای وحشیانه جنبشهای رهائی بخش خلق ما را سرکوب میکرد. کودتای تنگین ۲۸ مرداد، کشتار پانزده خرداد ۴۲، کشتار ۱۷ شهریور و شهید کردن بیش از صد هزار تن از بهترین جوانان این مرزوبوم در انقلاب اخیر همه و همه کارنامه سیاه ارتش ضد خلقی آریامهری در طول موجودیتش است.

در حرکت انقلابی اخیر مردم به رهبری امام خمینی و پیوستن سربازان و درجه داران رده پائین خصوصاً همافران آگاه به جنبش خلق ارتش عملاً پایگاههای اصلی خودش را از دست میدهد و سرانجام با یک حرکت مسلحانه مردم فرو میریزد و تسلیم میشود.

ساواک نیز که یکی از مخوفترین و قدرتمندترین سازمانهای جاسوس و انقلابی جهان بود بعد از پیروزی از هم گسیخته میشود و نیروهای آن تشکل سازمانی خود را از دست میدهد. اما ضربه های وارده بر ساواک و ارتش آنچنان نبود که خطر این دو تکیه گاه اصلی آمریکا را بر طرف کند و دشمنی متوانست با بدست آوردن کوچکترین فرصت دوباره آنها را در جهت خود سازمان دهد و ضربه های هولناکی بر حرکت نوای مردم وارد سازد و فاجعه های نظیر کودتای ۲۸ مرداد را تکرار کند.

بر اساس همین ضرورتها بود که دادگاههای انقلاب اسلامی تشکیل میگردد تا هر چه سریعتر قیل از اینکه دشمن زخم خورده فرصت جان گرفتن پیدا کند دست به تصفیه عناصر خطرناک موجود در ارتش و ساواک و در دیگر ارکانهای فاسد و وابسته به رژیم و امپریالیسم پرزادند و وجود آلوده اتشان را از دامن انقلاب پاک گردانند.

## قصاص از نظر مکتب اسلام

ایدئولوژی برای اسلام بر اساس نگرش دقیق و همه جانبه بر مسائل و حرکتهای اجتماعی حیات و تحرک انفلابون مسلمان را در قصاص و هرس کردن عناصر مرتجع و ضد تکاملی از نهال نوای انقلاب میداند.

« وَ لَكُمْ فِي الْقِصَاصِ حَيٰوةٌ يَا اُولِي الَاْبَابِ لَعَلَّكُمْ تَتَّقُونَ (۱۷۹ - بقره) - « شما است در قصاص زندگانی ای خردمندان نباید تقوا پیشه کنید» چه یک حرکت انقلابی نمیتواند با وجود این عناصر سالم بماند و در مسیر اصلی خود پیش رود و دیر یا زود همانگونه که تاریخ بارها نشان داده است سریع رشد میکند و به استکان گوناگون جامعه انقلابی رو به رشد را از درون میبویاند و به نیستی میکشاند.

دادگاههای انقلاب اسلامی با سرخوردن بودن از چنین بیثباتی شروع به کار می کنند و وظیفه خود را خوب انجام میدهند و تا چندی پیش در میان ارکانهای بعد از انقلاب یکی از پیشروترین ارکانها به حساب می آمدند. عملکرد صحیح دادگاهها را از عکس العملهای کشورهای امپریالیستی و مرتجع به روشنی میشد تشخیص داد. بخاطر همین عملکرد دادگاهها بود که سیل تبلیغات و اتهامات را در سراسر جهان بر علیه انقلاب ایران خصوصاً دادگاههای انقلاب برپا کردند. کشور فرانسه که بقول عده ای مهد آزادی و فرهنگ و تمدن است؟! بعد از اعدام هویدا این عنصر کیفی دربار و وابسته و امصیبها سر داد و اتیک تسامح ریخت و خط و نشان کشید.

مطبوعات غربی نیز بحق بخوبی رسالت خود را در خدمتدار کردن عمل دادگاههای انقلاب اسلامی انجام دادند. مطبوعاتی که در طول مبارزات مردم که بیش از

ارتش که آزادانه میگردد و حتی عده ای نیز بسر سر پشتهای خویش با قیادت میتوانند با توطئه کردن در گوشه و کنار کشور و شکار پاسداران در خیابانها به انقلاب ضربه زند یا این عناصر منحرف؟! مردم با کمال تعجب میشوند که عناصر ساواکی همانند «سیاسی» معروف آزاد میگردد و آقای نجیب الاسلامزاده که حتی رژیم شاه خائن قصد محاکمه کردنش را داشت با دست غیبی؟ از مرگ نجات پیدا می کند. آقای مهاجرانی ایدئولوگ آریامهر که یک عمر با مسخ ایدئولوژی اصیل اسلامی و تبدیل آن به اسلام آریامهری به خلق خدا و به مکتب اسلام خیانت ورزیده تنها خلع لباس میشود و سپس آزاد میگردد. پرونده های ارتشپاسی که احتمال خیانت و جنایتشان میرفت با تعیین کردن یک مدت کوتاه برای تکلیت کردن از آنها پسته میشود و بدون رسیدگی به وضعیتان همچنان در سر پشتهای خود باقی می ماندند و در این رابطه اعتراض همافران هم بجای نمی رسد.

جالب است اگر از اظهارات آقای خلخالی رئیس فلبی دادگاههای انقلاب آگاه شویم که میگردد: اگر هویدا الآن با این اوضاع فعلی باقی بود هرگز اعدام نمیشد؟! یا تیمسار مقدم معلوم را قرار بود رئیس رکن دوم ارتش بکشد.

این نمونه های است که ما از آنها اطلاع داریم بیشک نمونه های بیشمار دیگری از این نهادلتنها و بی مسئولیت وار برخوردار کردن با سلامت و پاکسازی انقلاب در دادگاهها وجود دارد.

ما به تمام کسانی که خود را در برابر انقلاب مسئول میدانند هشدار میدهیم که عملکرد فعلی دادگاهها به هیچ وجه انقلابی نیست و با ادامه پیدا کردن چنین عملکردی آینده و حیات انقلاب شدیداً مورد تهدید قرار میگردد.

## واقعه جانگداز سینما رکس آبادان

یکسال از فاجعه رنج آور سینما رکس آبادان میگذرد. یکسالی که خلق ما توانست از دست آوردها و تجربیات خونین خود بخوبی بهره گیری و یکی از سفاکترین و بی رحم ترین رژیم های جهان را بزباله دانی تاریخ سپارد. رژیم جلاهد پهلوی به منظور منحرف کردن مبارزات مردم مسلمان ما - بحملی می نمود. در تشدید بیسی نظمی و سیاسی امنی می کشیدند. از طرفی دیگر با ایجاد شکاف و تفرقه بین نیروهای ملی و مردمی که بیش از هر زمان دیگر نیازمند وحدت و یکپارچگی بودند. زمینه های شهابی مصدق را در میدان مصاف با غارتگری های خود ایجاد می کردند.

از طرف دیگر خود مصدق متأسفانه با عدم درس گیری از تجربه درخشان سی تیر در تصفیه نیروهای انتظامی و مسلح کردن مردم و هواداران خود، تنها به جایگاه چند مهره در درون نیروهای ارتش و پلیس اکتفا کرده و سیستم قبلی را در ارتش و پلیس را حفظ نمود و عملاً دست عمال مرتجع و نظامی را در سقوط خود بالاتر گذاشت.

توطئه پلید «سیا» : از این دو سازمان جهمی «سیا» با تدارک برنامه های متعددی زمینه های سقوط دکتر مصدق را فراهم می آورد. با بهره گیری از تجربیات ژنرال شوارتسکف که مدت شش سال سازماندهی نیروهای انتظامی ایران را عهده دار بود، با سایر عمال شناخته شده خود و با اشرف و اردشیر زاهدی طرح سرنگونی مصدق را می ریزند. بدینال این جریان با خرید و تطبیع بعضی از نمایندگان مزدور و مرتجع مجلس به ایجاد یک سری مزاحمت های «قانونی» دست زده و از طرفی با خرید و بسیج عناصر مرتجع شهرسانی و ارتش و مددگیری از اوباشان و چاقو کشان چون دارودسته تنجیان بی مخها و با برآه انداختن تظاهرات روسپی ها، دست بیک سری اعمال خرابکارانه زده و با افزایش دامنه ترور، خفقان و تهدید نمایندگان ملی و ایجاد کشمکش هایی در درون مجلس، جریان حرکت ضد امپریالیستی مصدق را کند می نماید. بطوریکه مصدق با انحلال مجلس، اولین مانع را از سر راه خود برمی دارد.

دو روز بعد، کودتای نافرجام آمریکا در ۲۵ مرداد با بازداشت نصیری از جانب مصدق، شاه را وادار بفرار از کشور نمود و کودتا را ختمی می کند. مصدق که نتوانسته بود حمله مجدد امپریالیسم را آنها با فرار شاه پیش بینی نماید و بسفوریت و تصفیه عناصر نامطلوب و مزدور ارتش و نیروهای انتظامی بپردازد، در ۲۸ مرداد با حمله امرای مرتجع ارتش و پلیس و اوباشان و بی مخهای رژیم غافلگیر شد ارتش با

بمقه از صفحه ۴ آیا بازآستی در شهر ۰۰ انقلاب ماهیتا انقلابی اسلامی است و از همین رو هر گونه پیروزی آن اسلام خواهد بود همانطوریکه خدای ناکرده هرگونه شکست آن شکست اسلام - آنهم در سطح جهانی - خواهد بود. محمد حسن شهیدی نوشته فوق حدود دو هفته پیش بدست ما رسید لکن متأسفانه علیرغم فوریت آن بعلت تراکم مطالب در شماره پیشی چاپ آنرا به این شماره موکول کردیم حائز توجه است که برخورد عینی با جریانات روز همواره میتواند به نتایج مشترک منجر شود. نوشته حاضر در رابطه با برخورد قاطع و سریع امام نسبت به جریانات جاری مؤید این حقیقت است.

امت

## ۲۸ مرداد توطئه امپریالیسم

(بمناسبت روز ننگین کودتای ۲۸ مرداد روز حاکمیت مجدد ارتجاع و تسلط هم جانبه امپریالیسم)

۲۸ مرداد یادآور تجربه تلخ و شومی است که بیست و پنج سال ترور، خفقان، اختناق و تسلط امپریالیست های جهانخوار در رأس آنها آمریکا را در اثر مسامحه کاری دولتمردان گذشته بر خلق رنج کشیده و محنت زده ما به ارعاع آورد. بیست و پنج سالی که در شئون نظامی اقتصادی - سیاسی - فرهنگی ما را متکی و وابسته به امپریالیسم آمریکا نمود باعالم نصیبی جز فساد و فقر فرهنگی و اجتماعی و بحرانهای عظیم اقتصادی برای خلق مستعبد ما به معرعه نداشت.

دکتر مصدق که در دوره کوتاه حکومتش توانسته بود با خلعید از تسلط بیگانه و ملی کردن صنایع نفت گانه های تعیین کننده ای در جهت تأمین و حفظ حقوق ملت بپردازد و ضربات مهلکی به مسامحه پلید امپریالیست های غارتگر بزند، خود بخود، خشم محافل امپریالیستی را در وجدان بیکرد. امپریالیسم انگلیس که با دستگیری امپریالیسم غارتگر آمریکا نیز قادر نشده بود مصدق را در جهت منافع خود به سازش وارد دارند، سقوط وی را تنها راه حل تأمین غارتگریهای خود می دید.

امپریالیسم آمریکا نیز مأیوس از تلاش های بی امان خود در دفاع از «حق» انگلیس و تسوید از سازش کنسانین مصدق، در صدد بود بر وسیله ممکن با باز کردن جای پائی برای خود، جایگزین امپریالیسم انگلیس شده و در میدان غارت و چپاول از منافع و منافع خلق ما، بکته تازی نماید و در پی فرصت مناسبی بود تا با وارد کردن ضربه مؤثر و مهلکی بر بیکرد دولت ملی دکتر مصدق نقشه شوم خود را عملی نماید.

عمال انگلیس و آمریکا که قادر نبودند مصدق را از خارج ساقط بکنند از یک طرف با بهره اراه انداختن اختراشات و در گیریهای خیابانی و با سوچستن از دارودسته ها و احزاب ارتجاعی مانند بیسی، سومکا، آریا دولفقار و تشکیل گروه های چمادار که بظواهر هم وارداری از مصدق به دستجات و گروه های مردمی بحمل می نمودند. در تشدید بیسی نظمی و سیاسی امنی می کشیدند. از طرفی دیگر با ایجاد شکاف و تفرقه بین نیروهای ملی و مردمی که بیش از هر زمان دیگر نیازمند وحدت و یکپارچگی بودند. زمینه های شهابی مصدق را در میدان مصاف با غارتگری های خود ایجاد می کردند.

از طرف دیگر خود مصدق متأسفانه با عدم درس گیری از تجربه درخشان سی تیر در تصفیه نیروهای انتظامی و مسلح کردن مردم و هواداران خود، تنها به جایگاه چند مهره در درون نیروهای ارتش و پلیس اکتفا کرده و سیستم قبلی را در ارتش و پلیس را حفظ نمود و عملاً دست عمال مرتجع و نظامی را در سقوط خود بالاتر گذاشت.

توطئه پلید «سیا» : از این دو سازمان جهمی «سیا» با تدارک برنامه های متعددی زمینه های سقوط دکتر مصدق را فراهم می آورد. با بهره گیری از تجربیات ژنرال شوارتسکف که مدت شش سال سازماندهی نیروهای انتظامی ایران را عهده دار بود، با سایر عمال شناخته شده خود و با اشرف و اردشیر زاهدی طرح سرنگونی مصدق را می ریزند. بدینال این جریان با خرید و تطبیع بعضی از نمایندگان مزدور و مرتجع مجلس به ایجاد یک سری مزاحمت های «قانونی» دست زده و از طرفی با خرید و بسیج عناصر مرتجع شهرسانی و ارتش و مددگیری از اوباشان و چاقو کشان چون دارودسته تنجیان بی مخها و با برآه انداختن تظاهرات روسپی ها، دست بیک سری اعمال خرابکارانه زده و با افزایش دامنه ترور، خفقان و تهدید نمایندگان ملی و ایجاد کشمکش هایی در درون مجلس، جریان حرکت ضد امپریالیستی مصدق را کند می نماید. بطوریکه مصدق با انحلال مجلس، اولین مانع را از سر راه خود برمی دارد.

دو روز بعد، کودتای نافرجام آمریکا در ۲۵ مرداد با بازداشت نصیری از جانب مصدق، شاه را وادار بفرار از کشور نمود و کودتا را ختمی می کند. مصدق که نتوانسته بود حمله مجدد امپریالیسم را آنها با فرار شاه پیش بینی نماید و بسفوریت و تصفیه عناصر نامطلوب و مزدور ارتش و نیروهای انتظامی بپردازد، در ۲۸ مرداد با حمله امرای مرتجع ارتش و پلیس و اوباشان و بی مخهای رژیم غافلگیر شد ارتش با

استفاده از سلاحهای آمریکائی و با تکیه بر دلارهای امریکائی به سرکوبی مردمی که با دستهای خسالی مشت های گره کرده به محاسبت او رهبر خود برخاسته بودند، پرداخت در این روز بی شماری های تنجیان بی مخ و دارودسته چاقو کشان و فدایه بنامی که وی تدارک دیده بود از حد گذشت.

بدین ترتیب «سیا» با یک کودتای ۱۹ میلیون دلاری تاج و تخت رفته را بشده برگرداندن بتواند با تکیه بر این عنصر کیفی و مرتجع منافع و بیرونی جامعه ما را بهیقا برود. در این میان حزب توده نیز که مصدق را تنها مانع و رقیب بقدرت رسیدن خود می دید و اسفهان می بیند که با سرنگونی مصدق راه برای تسلط و بقدرت رسیدن آنان باز خواهد شد و در این رهگمز قادر خواهد شد جاده را برای تأمین منافع اربابان کرمین شین خود هموار نماید. عملاً حتی با وجود پیش بینی کودتای تنگینی و در اختیار داشتن گسادهای مسلح نظامی با سکوت مرتجعانه خود، زمینه را برای اصراری مقاصد شوم ارتجاع و امپریالیسم مهیا کرده و گامی دیگر در جهت خیانت به اهداف ملی و مروضی مصدق برداشت. مضافاً بر اینکه در چنین شرایطی، حزب توده با بهره انداختن تظاهراتی خواستار دادن امتیاز نفت شمال به روسیه میگردد، و بیش از پیش با این عملکرد انحرافی ماهیت وابسته خود را نمایانتر می سازد.

تکرار تجربه ای که بزبان انقلاب است

اگر دیروز امپریالیسم با تکیه بر ایجاد تفرقه و تفایق بین نیروهای مردمی و سوچوستی از بسراه انداختن تظاهرات ظاهر پشتیبانی و حمایت از مصدق و ایجاد آتوب و بی نظمی در سایه حمایت بی امان چاقو کشان و فدایه بنندان و دهه های پلید دیگر زمینه های سقوط مصدق را آماده می نمود. اگر دیروز مصدق در اثر مسامحه کاری و خوش بینی ارتش و نیروهای انتظامی را دست نخورده بحال خود باقی گذارد و فقط به جایجا شدن و تعویض چند مهره دست زده و بسیاری از عناصر مرتجع و خود فروخته و مزدوران شناخته شده را بحال خودشان رها نمود و عملاً خودگامی در جهت تسریع انهدام و نابودی خود برداشت و زمینه های تسلط مجدد ارتجاع و امپریالیسم را مهیا نمود. امروزه نیز در اثر عدم درس گیری از تجربه تلخ و زیسناپار ۲۸ مرداد و معاشات و مسامحه کاریهای دولت مسوقت انقلاب، نیروهای ارتجاعی با تکیه بر عدم قاطعیت دولت و با سوچستن از شعارهای اصیل اسلامی و بازن مساک حمایت از امام و اسلام و انقلاب، دستهای چماق دار و فدایه بسند تشکیل داده و با زبیرسناپانان آزادبشهای دموکراتیک گانه ای مؤثری در جهت مطامع امپریالیستی بر می دارند. ارتش و نظام ارتشی دست نخورده باقی می ماند و فقط چند مهره آنها هم از چند گاه بیکار تغییر می باید. عناصر خائن و مرتجع و مزدوران شناخته شده ساواک و ..... در جامعه بحال خود میباشند و عملاً از جنگال انتقام خلق گریخته و چه بسا به نیروهای ضد انقلابی که در گوشه و کنار و در نقاط حساس سرگرم خرابکاری هستند می پیوندند و دهها و دهها تسمل و سستی دیگر. این جز لطمه زند به مسوقیت رهبری و ایجاد هر بی اعتمادی و بی اعتنایی در بین توده ها نسبت به سرشوست انقلاب و جز تأمین آزادیهای بیشتر برای پاکیزگی و گسترش فعالیت های مجدد امپریالیستی، نیست.

اگر تا دیروز امپریالیسم با بهره گیری از شیوه های ارتجاعی در صدد سقوط دولت مصدق بر می آمد امروزه دولت خود این زمینه ها را برای بی اعتبار کردن انقلاب و رهبری و سلب اعتماد از اقشاری از توده های مردمی منعقد به انقلاب و رهبری، در سایه خوش بینی ها، و عدم اعتقاد به مبارزات ضد امپریالیستی و در نتیجه دست کم گرونی خطر امپریالیسم آماده می سازد و از طرفی با عمده کردن خطر کمونیسم و ترسانیدن دشمنان خیالی و موهوم برای انقلاب و عدم موضعگیری قاطعانه در برابر حملات و فعالیت های نیروهای ارتجاعی و چماق داران جدیدالظهور که در قالب دفاع از اسلام صورت می گیرد، عملاً دست امپریالیسم را برای تسخیم موفقیت های از دست رفته خود بازتر میگذارد. حال این بر مردم هوشیار و خلق پیاخته است که با تکیه بر تجربیات تلخ گذشته و درس گیری از آنها به پاسداری از میراث شهیدا و دستاوردهای انقلاب بپردازد. و با اجتناب از جنگ های زرگیری و ساختگی و تحمیلی لیه نیز حملات خود را متوجه نقطه اصلی خطر یعنی امپریالیسم آمریکا بکند. و نگذارد با حاکمیت مجدد ارتجاع خونهای ریخته شده بهدر رود.

## دروود بر آیت اله طالقانی، مجاهد نستوه



# درخت زیتون

## آدامس فروش

یافته چون نیست  
و همواره در تعقیب  
و خانم در معرض هجوم است:  
از آنجا که نمی توانم تکه کاغذی را حتی صاحب  
باشم.  
یادگارهایم را  
بر درخت زیتون خانمم خواهم کند.

اندیشه های تلخ را خواهم کند.  
عشقم را خواهم کند و حسرتم را  
برای نارنجزارم که غصب کردند  
و مزار مردگانم که ربودند.  
تمام تلاش هایم را  
به یادگار خواهم کند.  
برای زمانی که با بوسه پیروزی  
با کشتن کم.

نماری هر زمین غصب شده را خواهم کند  
و جای دهکده ام را روی نقشه  
و خانه ها  
و درخت ها  
و تمام غنچه های وحشی را  
که سوختند  
با ریشه کن شدند.

نام تمامی سبکچه گران را خواهم کند.  
نام زندان هایشان را.  
و نشان بازرگانی زنجیرهایشان را.  
پرونده های زندانیان را  
و ناسزاهاشان را خواهم کند.

خواهم کند پیشکش هایی را که نثار می شود  
به پادشاهی که تا جاودان دوام دارد.  
به خاک خونین «پاسین»  
و «کفر قاسم»

بالتر از همه خواهم کند  
منتهای غننامه را.  
زندان را و ستیز تلخی را  
که در آخرین پله های غم.  
تحمل می کنم.

اناره های خورشید را خواهم کند  
و زمزمه های ماه را  
و آنچه را که چکارگی فرا می خواند.  
بر سر جاهی که عاشقان همه رفته اند.

برای آنکه به یادگار بماند.  
بخاطر همه چیز و هر چیز  
همه را همچنان بر درخت زیتون خانمم خواهم کند

پس رک ۸ ساله ای کنار خیابان روی لبه جوی آب  
نشسته بود نزدیک ظهر بود و آفتاب گرم تابستان همه را  
عذاب میداد. پس رک جعبه آدامس در دست داشت.  
پس راهن آستین کوتاه پر از وصله و ثبوت رنگ و رو  
زقته ای بر تن.

پایش هیچ پوشش نداشت و او مجبور بود که  
پاهایش را در آب جوی فرو کند تا کمی از سوزش  
پاهایش کاهش پیدا کند. خانواده آنها فقیر بودند. دو تا  
پسر. دو تا دختر با یک پدر و مادر. پدر دست فروشی  
میکرد و مادر با دو ناخواه توی خونه برای مردم با مرد  
کم کار انجام میدادند و دو تا پسر آدامس فروشی  
میکردند. منتهای یک روز در میون یکی از آنها بیرون  
میرفت. آخه اونها کفش نداشتند فقط یک جفت دمپایی  
پاره داشتند که هر کدام از آنها برای فروختن آدامس  
آنها را بیا میکرد و دنبال کاسی میرفت ولی آروز چون  
وضع مالی خانواده چند روزی بود که خوب نبود دو تا  
برادر تصمیم گرفتند که از دمپایی نوینی استفاده کنند  
صبح تا ظهر سعد و بعد از ظهرها تا شب آمد.

آدامسهای امید فروش تحیرت ولی او با التماس  
به مردم آدامس می فروخت و از آنها میخواست که از اون  
لا اقل یک آدامس بخردند ولی مردم از دست گسرامی  
تابستان همگی فراری بودند و میخواستند که زودتر  
به خونه هاشون برسد و زیر کولر دراز بکشند. وقتی  
کسی آدامس نمی خرید امید گریه اش میکرد چونکه با  
خرید هر کدام از این آدامسها اون به آرزوی خودش  
نزدیک میشد؛ و میخواست که یک دمپایی دیگه بخرد تا  
اینکه با سعید هر روز به آدامس فروشی برند.

گرمای کلافه کننده ای بود و پاهای امید از بس که  
دنبال مشتریها میدوید ناول زده بود و سنگریزه پاهای  
اونو آذیت میکردند. امید از ناچاری و خستگی اومد و  
کنار جوی آب منتظر سعید نشست. دیگه ظهر شده بود  
وقت اومدن سعید نزدیک بود. امید همینطور که  
به خیابان نگاه میکرد سعید را اونور خیابون دید و برایش  
دست تگون داد و از شوق پوشیدن دمپاییها دوید در  
رو بای پوشیدن دمپاییها بود که ناگهان صدای خشک  
ترمز یک ماشین قشنگ و تمیز بلند شد و لحظه ای بعد  
آدامسها توی هوا رقص مرگ را شروع کردند امید روی  
اسفالت گرم به پشت افتاده بود و خون ز سوی کوش و  
دهنش بیرون می اومد. سعید رسید وسط خیابون و از  
یکی از مردم شنید که او سرده و ناخود آگاه به دمپاییها  
نگاه کرد و لبخند زد. به خاطر اینکه از حالا دمپاییها فقط  
مال اون میشد!!!

از هفته نامه فریاد کودکان

امیر حسینی



## آلبوآستی دوشهر...

### مسئله کارگران

این چگونه طرفداری از کارگر است که علیرغم  
افزایش هزینه زندگی آنها بی آنکه رفاه نسبی آنها را  
هدف قرار دهند نتجیده و عجولانه اندک اضافه کاری  
آنها را هدفگیری کنند؟ البته تردیدی نیست که اینگونه  
«اضافه» بازیها از شیوه های ضد کارگری - ضد  
کارمندی - رژیم مزدور بود اما آیا راه حل این «بازی»  
میتواند مجوزی برای اقدامات تنبیهی دولت انقلابی  
باشد؟ گذشته از آن، اصولاً چرا با شیورهای اسلامی  
مخالفت می کنند تا بدانجا که کارگران مسلمان کشور  
اسلامی مجبور شده اند شیورهای اسلامی خود را  
«مخفیانه» تشکیل دهند؟

### دادگاههای انقلاب

چرا دادگاههای انقلاب این اندازه سقوط کرده اند؟  
چرا جامعه ما را از وجود پلید جانی ترین دزدان رژیم  
خائن (شیخ الاسلام زاده ها) پاک نمی کنند؟ چرا بدون  
توجه به شرایط لازم اجرای حدود اسلامی در مسود  
برخی مجرمین (مانند لواط کار، زنا کار، شراب خوار،  
قاچاقچی مواد مخدر...) که خود زانیه رژیم ساخته  
دست مفسدین واقعی هستند اجازه می دهند مطبوعات  
دنیا انقلاب اسلامی ما را تنها و تنها موافق سرمایه دار و  
ریا خوار و مخالف لواط کار و زنا کار معرفی کنند؟

### رادیو تلویزیون و توطئه گران

این چه دولتی است که در برابر حوادث خونبار  
توطئه چینان رنگارنگ سنجید، گنبد، مهپاد، نطقه،  
خرمشهر، ارومیه، ... سکوت می کند و منافقین را افشا  
نمی کند و با این عمل خود دست مزدوران خائن را در  
خیانت به انقلاب و خلق انقلابی مسلمان ما هر چه بیشتر  
باز می گذارد؟ چرا رادیو تلویزیون جمهوری اسلامی،  
مطبوعات و گردانندگان دست راستی چپ نسمای  
امریکایی و غیر امریکایی آنها را افشا نمی کنند؟ مگر  
نهایتست که امروز هر نوحه سرای «هویدائی» تنها از  
طریق چپ نسمای هر چه چپ گرایانه تر است که میتوانند  
به انقلاب اسلامی ما حمله کند و اصولاً در کدام انقلاب  
(البته انقلاب راستین) اجازه می دهند هر چه نه ای که  
از مادرش قهر کرده تنها به کمک یک مائین تحریر و  
کمکهای بلاعوض دزدان «فت و گاز» بیا دایر کردن  
حزب و دسته و با تدور روزنامه ای به انقلاب مردم  
خیانت کنند؟

### دولت و هیأت دولت

این چه دولت اسلامی است که رئیس آن بطرفداری  
از سرمایه داران، «کارگرم» یا خونخوار را بر روی  
«گنج قارون» نمی بیند (اشاره به بخشنامه نخست وزیر  
به کارخانه ها) اما کارگر بیچاره را «بردرآمد» می تواند  
دید؟ چرا باید رئیس دولت اسلامی همواره در پی آبه و  
حدیث و حادّه باشد تا جنایتکاران رژیم مزدور و  
مزدوران سازمان امنیت رژیم و بالاخص مفسدین واقعی  
را تیره کند؟ این چه بهانه ای است که به محضی که  
مردم خواسته ای مشروع و انقلابی مطرح می کنند  
«موقتی بودن» و «وظیفه» معروف خود را به رخ مردم  
می کنند؟ اگر دولت تنها سه وظیفه دارد پس چرا خارج  
از وظایف سه گانه موقتی خود رتق و فتق امور می کنند؟  
چرا دست دولتی که تنها سه وظیفه موقتی دارد فقط  
برای اقدامات غیر انقلابی باز است اما در کارهای  
انقلابی دست و پای خود را بسته می بیند و در «پوست  
گردو»؟ آخر چرا قبول نمی کنند که بسیاری از همین  
نهادهای موقتی «دولت موقت» جزو نهادهای دائمی  
دولت دائم خواهد شد؟

این چه دولتی است که مدیر کل بانک مرکزی اش  
به سرمایه داران بانکهای ربوی اطمینان خاطر اسلامی  
(!) می دهد و وزیر صنایع و معادنش کارخانه داران  
سرمایه دار را دلگرم و امیدوار می سازد؟  
این چه دولتی است که وزیر کشاورزی اش از  
احترام به «مالکین» دم می زند و وزیر مسکن و  
شهرسازی حرمت «مالکیت» و «کیمیا» بودن خاک را  
به صاحبان خانه های خالی و راضی بایر شهری یادآور  
میشود؟ این چه دولتی است که وزیر کارش در سایه  
«سندیکالیسم سرمایه داری» شیورهای اسلامی کارگران  
را عملاً می کوبد و وزیر مشاور و رئیس سازمان برنامه و  
بودجه اش، بدون توجه به افزایش هزینه زندگی و فقدان  
زینتهای رفاهی، دستور قطع یا کاهش اضافه کاری  
کارگران را می دهد؟

### قتل الرجال یا قحط الرجال؟

چرا دولت با بازی نگرستن مبارزین راستین  
انقلابی مسلمان در امور، عملاً قتل الرجال می کند و  
آنگاه فریاد واقفط الرجال سر می دهد؟ چرا دولت در

# امت

## بیانیه جنبش مسلمانان مبارز

بنام خدا

بیانیه جنبش مسلمانان مبارز در پاسخ به هشدار و

دعوت

رهبر انقلاب امام خمینی

دعوت به اتحاد قسوری در مقابله با توطئه های

امپریالیسم

برادران و خواهران مبارز

به گواهی بیانیه های رسمی جنبش در ماههای قبل  
از سرنگونی رژیم و بعد از آن تاکنون و طی پیشنهادات  
و هشدارها در تشریحات و ابسته راهی را که دولت  
موقت انقلابی میبایست پیش گیرد باز نمودیم و  
ریشه های توطئه ها و سرچشمه مشکلات را معرفی و راه  
حل اساسی آنها را بصورت پیشنهادات مشخص طرح و  
در اختیار مسئولین امور و قضاوت افکار عمومی -  
گذشتیم ما ضرورت یک سرکرت واحد انقلابی  
(تصمیم گیری و اجرائی) را قسوری تشخیص دادیم،  
ضرورت اجرای طرحهای انقلابی برای قطع کامل  
مناسبات استبدادی و استعماری پیشین و قطع نفوذ  
استعمار و امپریالیسم و عوامل وابسته بدان را قسوری  
دانستیم، ضرورت وحدت همه نیروهای انقلابی مسلمان  
را برای شرکت در مبارزه با دشمن مشترک و بازسازی  
جسامه ضروری دانستیم، خطر توطئه مزدوران  
امپریالیست، فرصت طلبان و عوامل ارتجاع را گوشزد  
و وحدت همه نیروهای خلق را ضروری شمردیم، نسبت  
به خطری که تعدد مراکز تصمیم گیری تسلط روحیه  
مخالف کاری پیشین های لیبرالی و غیر انقلابی و روحیه  
اصلاح طلبی بر مسئولین امور دولت موقت گوشزد،  
نسبت به عواقب سیاست گام بگام و رفرمیستی در  
شرایط حساس و انقلابی فعلی هشدار دادیم، خطر  
عملکرد نیروهای ارتجاعی را بارها گوشزد ساختیم  
نظریات خود را طی پیشنهاداتی تسلیم رهبری انقلاب  
کردیم، در آن پیشنهادات وحدت مراکز تصمیم گیری و  
اجرائی در یک شورای منسجم و انقلابی و همچنین  
برنامه های قسوری و ضربتی و مرحله ای در کلیه زمینه ها  
طرح و پیش بینی شده بود.

این پیشنهادات مورد تأیید کامل رهبر انقلاب قرار  
گرفت و از مسئولین در دولت و شورای انقلاب  
خواستند که بر طبق آن عمل کنند اما آنچه در عمل انجام  
گرفت با روح و پیشنهادات ما هماهنگی نداشت،  
تغییراتی رو بونی در فرم و شکل انجام شد ولی کیفیت  
عمل و روشها بدون تغییر باقی ماند. کارها بر روال  
پیشین ادامه یافت و منظور رهبر انقلاب که اتخاذ  
روشهای قاطع و انقلابی و سریع و وحدت عمل کامل  
همه نیروها و مراکز امور بود برآورده نگردید.

ضعف مسئولین در عمل و فقدان پیشین انقلابی و  
نداشتن برنامه و هدف روشن جنبه انقلاب را دچار  
ضعف و تفرقه بیشتر کرد و بدشمنان انقلاب فرصت و  
بهانه برای تحریک توطئه، سببشائی و خرابکاری داد،  
عناصر مفسد و ضد انقلاب بجای مسحا که و اعدام  
بخشوده و آزاد شدند و با اینکار نور امیددی در دل  
خائنان روشن شد.

در حل مسئله قومیتها از آغاز نوشتیم و گفتیم که  
دولت میبایست با اجرای طرحهای اصلاحی ضربتی و  
انقلابی بنفع توده های مردم در این نقاط با تشکیل  
شوراها اعتماد و مشارکت مردم را جلب و زمینه را برای  
تحریکات دشمن و عوامل فرصت طلب و مزدور  
نامساعد کند اینکارها تند و دشمن توانست با تبلیغات  
علیه انقلاب در مردم آن نقاط روحیه سوءظن و عدم  
اعتماد نسبت به دولت و انقلاب بوجود آورد و کار را  
بمرحله حساس فعلی بکشاند و برخورد های نظامی را

برابر انتقادهای اصولی برادران مسلمان انقلابی بجای  
عبرت اندوزی و عمل صالح یا امام و مردم را تهدید  
به استعفا می کند یا انتقادها را «مبارزه نمائی» به شمار  
می آورد و یا اینکه در نهایت آنرا «تضعیف» دولت  
می داند؟ دولت بهیچ حقی انتقادات سازنده را تضعیف  
دولت می شمارد اما سخنان و اقدامات غیر اصولی و  
غیر انقلابی خود و وزرای خود را تضعیف روحیه  
انقلابی مردم مسلمان ما نمی داند! آیا باید همه قول و فعل  
دولت را «احسن» بدین نامتم به «مبارز نمائی» نشویم  
و این رفتار را چگونه میتوان با اصل همیشه جاسوید  
«فیشر عبادالذین یستمعون القول فیتبعون احسنه» و  
سخنان امام (ع) به مردم در صغین توجیه کرد؟ و...

... با توجه به آنچه گفته شد - که مشتی بود از  
خروارها «چرا» - تنها امیدمان بهره ر انقلاب و مردم  
مسلمان و انقلابی است: رهبری انقلاب از آن جهت که  
بنا به منتهیاری و قساطبیت همیشه خویش تنها  
نجات بخش کشور و مردم و اسلامان توانند بود و مردم  
مسلمان انقلابی از آن جهت که اثبات کرده اند با هارترین  
قدرت اهریمنی دنیا، از هر قماش و در هر لیاسی که

باشد، بخوبی میتوانند بچنگند.  
**در انتظار عمل امام**  
امیدمان بهره رهی انقلاب است که این سخنان مقطع  
را بعنوان بتالشکوائی، حق گریه های مظلومانه  
شهادی بخون خفته انقلاب خونین اسلامی مان بداندند و  
همانند همیشه را سایه هر سر جمع ذبصلا حسی دستورات  
فاطمه ای صادر فرمایند. ما بطور خلاصه از رهبر  
نشوه انقلاب اسلامی مان مصرانه می خواهیم قبل از  
تشکیل مجلس خبرگان بخصوص هدفهای اساسی  
اقتصادی انقلاب اسلامی (مانند ملی کردن کامل و  
انقلاب بانکها، بیمه ها، صنایع، اراضی بایر، اراضی  
قابل کشت و...) را با دستورات کوتاه و اکید و انقلابی  
خویش بهر نحوی که مقتضی باشد بی اغازند و اجازه  
ندهند خدای ناکرده با نفوذ تدریجی زمینداران،  
زمین خواران، رباخوران و سرمایه داران خناس به پشت  
قوانین مختلف که همواره بفکر وسواس الناس اند خون  
شهادی انقلاب اسلامی مان در بیج و خم این قوانین و  
مصوبات و آیین نامه ها (علیرغم قرآن و دستورات پیامبر  
و ائمه اطهار علیهم السلام) بهدر رود بخصوص که این

بفیه در صفحه ۳

## خاطره خونین قل زعتر را گرامی میداریم



### چرا شورای اسلامی...

بقیه از صفحه ۱

ولی تا کنون دولت در این مورد اقدامی ننموده است. بعد از اصلاحات ارضی، نهادهای ۴۱ بنا به گفته کارگران سازد و بسندهایی که بنا به اصلاحات ارضی وجود داشت مجموعاً ۴۲۰ هکتار زمین در اختیار کشاورزان قرار می‌گیرد و ۱۸۰ هکتار به علی قلی خان هدایت مالک دشت مرغاب می‌رسد که این زمین‌ها در سال ۴۶ با تأسیس کارخانه برای تأمین مواد اولیه مورد نیاز کارخانه اختصاص یافت که بعداً حتی با توسعه کارخانه حدود ۲۰۰ هکتار دیگر از زمین‌های مزروعی کشاورزان را به‌بهای اندک برای کشت اجاره می‌کنند و با تغییر نیکل استثمار، کشاورزان فقیر و محروم دیروز به کارگران زحمتکش امروز تبدیل شدند.

کارخانه توسط ایتالیایی‌ها با سرمایه اولیه کم و بکار گرفتن حدود ۴۰ کارگر تأسیس شد. در ابتدا فقط شامل یک خط تولید رب گوجه و خیارشور بود که در مقایسه با تولید امروز کارخانه که شامل چهار سان تولید با دو خط رب گوجه و تولید آب لیمو، آب غوره، چند تنوع خیارشور، سرابه‌های هویج و آب‌الو، شربت آلبو، نس گوجه قرنگی، گوجه پوست کنده، نخود قرنگی، لوبیا سبز، لوبیا چیتی، خاویار بادمجان و... است و در کنار کارخانه ایجاد دریاچه پرورش ماهی با استفاده از آبی که باید به‌صرف کشاورزی زار عین برسد برای سود بیشتر، می‌توانیم به‌استثمار بیش از اندازه کارگران و نمره کار پر ارزش انسان بسی سپریم. بخصوص آنکه در صحبت با کارگران در یافتیم که می‌خواستند با سوء استفاده از نمره تلاش کارگران مسلمان و با استفاده از امکانات وسیع این کنت و صنعت، کارخانه تولید شراب نیز در همین محل ایجاد نمایند تا هر چه بیشتر در جهت ترویج فرهنگ غربی و منسوخ فرهنگ اصیل ما بکوشند. آیا اکنون زمان آن نرسیده است که قوانین مترقی اسلام را در صنایع پیاده کنیم؟ آیا هنوز بر مسئولین وزارت کار چنین تصویری حاکم است که نمی‌توان صنایع را به‌دست پر قدرت کارگران و مهندسان متعدد سیرد و آیا آگاهی کامل کارگران به‌نمره تلاش نبانه روزی آنان برای حفظ آن کافی نیست؟ اگر تکیه امروز ما بجای اینکه پرورش خسته و شکسته نده کارگران باشد بر قدرتمندان و لبروتمندان و سرمایه‌دارانی باشد که حتی یک ساعت در شرایط نامناسب کارخانه کار نکرده‌اند، در این صورت آیا می‌توانیم امیدوار باشیم که روزی احکام اسلام را به‌اجرا درآید؟ مسلماً بدون شناخت و توجه به‌باگانه‌های داخلی امپریالیسم و تلاش در جهت نابودی آن مبارزه با امپریالیسم بیش از تصویری ذهنی و غیر واقعی نیست و عملکرد عاجز در جهت هموار ساختن راه برای بازگشت سریع آن نخواهد بود.

### چگونگی تشکیل شورا:

در صحبت‌هایی که با کارگران داشتیم دریافتیم که در حال حاضر فقط شورایی بنام شورای سرپرستان در کارخانه تشکیل نده است که به‌نماینده کارگران اجازه ورود به‌شور را نمی‌دهند و در نتیجه مورد قبول کارگران نیست. در این مورد با آقای فنایی مدیر کارخانه صحبت کردیم. در ابتدا از استقبال شدید ایشان مبنی بر تشکیل شورای کارکنان به‌نیات تکلف‌زده شدیم. آقای فنایی تأکید عجیبی در برقراری نظم در کارخانه داشتند و نظم را یکی از چهار رکن اساسی به‌بشرت صنایع می‌شمردند. ما که با دقتی موشکافانه به‌صحبت‌های ایشان که به‌گفته خودشان ۱۴ سال را در محیط‌های کاری گذرانده بودند، گوش می‌کردیم، دریافتیم که منظور ایشان از نظم، جلوگیری از هر گونه تماس کارگران با هم و مشورت در مورد تعیین سرنوشت خودشان است. به‌عبارت دیگر ای‌زوله کردن کارگران و در نهایت استفاده از کارگر به‌منابه یک ماشین و ابزار تولید است. ما بسیار دیگر به‌مسئولین امور هتداری می‌دهیم تا هر چه زودتر در جهت تغییر روابط سرمایه‌داری در صنایع اقدام کنیم. همان‌طور که امام بارها تأکید کرده‌اند ما نمی‌توانیم پشتیبان سرمایه‌داران در مقابل حقوق حقه کارگران و زحمتکشان باشیم. به‌حال پس از چند روز موفق به‌فراهم ساختن مقدمات جهت برگزاری انتخابات آزاد شدیم. تنها پشتیبانی و استقبال بسیار زیاد کارگران از تشکیل شورا بود که با وجود همه کارشکنی‌ها و توهین‌های مدیر کارخانه تصمیم به‌تشکیل شورا گرفتیم. مدیر

کارخانه بنحو عجیبی اصرار داشتند که کلمه کارگران و کارمندان و سرپرستان را در انتخابات جداگانه بکار نبریم. می‌گفتند که همه ما کارگر هستیم و کار می‌کنیم، و ما با نگاهی کوتاه به‌اتفاق راحت ایشان و کارگران زحمتکش سال‌ها در فکر بودیم که آیا در منطبق سرمایه‌داری تسفوت‌ها را صرفاً در قالب کلمات از بین نمی‌برند؟ آیا این هتداری برای مسئولین امر نیست که سعی می‌کنند تحقق آرمانهای اصیل اسلامی را با به‌های ویران نظام سرمایه‌داری وابسته به امپریالیسم استوار سازند؟ بهر حال انتخابات در میان شور و هیجان بی‌اندازه کارگران و لبخندهای استهزائیز مدیر کارخانه در محیطی کاملاً دموکراتیک انجام شد و این افراد به‌عنوان اعضای شورای اسلامی کارکنان انتخاب شدند.

۱- آقای حضرت قلی زارع با ۲۲۸ رای ۲- آقای ولی‌الله کیانی با ۲۲۳ رای ۳- آقای خرداد داوطلب با ۱۰۱ رای ۴- آقای غلامرضا مرغابی با

کرده‌اند هنوز پرداخت نکرده‌اند. ۱۲۰۰۰۰ تومان سود ویژه کارخانه را هم که خودشان گفته‌اند هنوز ندهاده‌اند. و الان هم ۲ ماه است که هیچکس در کارخانه حقوق نگرفته و ما به‌همه دکساندارها و تعاونی بدهکاریم و شورا باید اینها را برآورده کند.

س: غیر از مسائل مالی دیگر چه مشکلاتی را در کارخانه می‌بینید؟

ج: کارخانه مواد اولیه ندارد. بر خلاف هر سال خیاب و گوجه نداریم. و اگر تهیه نکنند کارخانه می‌خوابد.

س: فکر می‌کنید علت این کمبود چیست؟

ج: نمی‌دانم. یکی دیگر از برادران کارگر قسمت فن.

س: جقدر حقوق می‌گیرید؟

ج: حدود ۱۴۵ تومان

س: بعد از انقلاب مدیر جدید چه کاری برای شما انجام داده است؟

ج: تبعیض را از بین برده است. بین کارگران و مهندسان تفاوت قائل نمی‌شود.

س: کارگری از همان قسمت

س: چند سال است که اینجا کار می‌کنی و جقدر

- ما بار دیگر به‌مسئولین امور هشدار میدهیم، تا هر چه زودتر در جهت تغییر روابط ظالمان سرمایه‌داری غربی در صنایع اقدام کنند.
- آیا مسئولین امور اجرایی تصور میکنند که سرمایه‌داران آلت دست امپریالیسم در جهت تحقق آرمانهای توحیدی عمل خواهند کرد؟
- بدون دگرگون کردن سریع نظام وابسته به امپریالیسم حتی استقلال مملکت را نیز در خطری جدی می‌بینیم.

۱۴۴ رای ۵- آقای صفدر هاشمی با ۷۲ رای ۶- آقای علی آقای با ۷۶ رای ۷- آقای علمی با ۳۳ رای ۸- آقای خردمند با ۱۰۲ رای ۹- آقای نیبانی با ۲۱۳ رای ۱۰- آقای نجفی با ۷۹ رای

شورا معتقد بود که در جهت حفظ دستاوردهای انقلاب هر چه زودتر برای تشکیل شوراهای مختلف نظارت بر خرید و فروش، انبارداری، ستاد کات مدیریت، حسابداری، شورای فرهنگی و شورای رفاه با شرکت کارکنان کارخانه اقدام کنند و بسا رسیدگی به‌مسائل مالی شرکت هر چه زودتر در پرداخت حقوق و سود ویژه عقب افتاده کارکنان عمل نماید.

تاریخچه فعالیت‌های کاری:

در سالهای گذشته کارگران دو بار دست به‌اعتصاب می‌زدند. انگیزه اعتصابات بیشتر مالی و بخاطر عدم پرداخت حقوق کارگران بوده است. بعلت عدم سازماندهی و آگاهی کارگران، اعتصاب عملاً رشد نمی‌یابد و به‌دست کشیدن از کار و شعار دادن در محیط کارخانه محدود می‌شود و پس از یک یا دو روز شکسته می‌شود.

بدنیال اوج گیری انقلاب سهامداران، کارخانه را تعطیل می‌کنند و در زمان حکومت نظامی سعی می‌کنند با خدعه و فریب دستگاه تولید نخود فرنگی را به‌بهانه اینکه به‌دست کارکنان منتقل می‌کنند از کارخانه که تقریباً متعلق به‌دولت است خارج کنند که کارگران تجمع می‌کنند و مانع خروج دستگاه می‌شوند. پس از پیروزی انقلاب و پس از انتقال مدیر قبلی، کارخانه به‌مدت ۲ ماه به‌دست شورا می‌ماند.

کارکنان اداره می‌شود، و حتی بنا به‌گفته کارگران راندمان تولید در آن مدت حتی به‌دو برابر مقدار فعلی نیز رسیده بود. و همین تجربه می‌تواند راهگشای بسیاری از مشکلات فعلی صنایع ما قرار گیرد.

### گفتگو با کارگران:

برای آشنایی با کارگران و شنیدن خواسته‌های آنان، با چند نفر صحبت کردیم. در مورد سندیکی کارخانه گفته شد که فقط در بهمن ۵۶ برای مدتی کوتاه سندیکیایی تشکیل شد و بابت آن از هر نفر ۳۰ ریال دریافت کردند که در همان مدت نیز کاری از پیش نبرد. اکثر از وضع بد مالی کارخانه گله داشتند و امیدوار بودند که شورای اسلامی کارخانه هر چه زودتر این مسئله را حل کند. به‌بهای صحبت یکی از برادران کارگر نستیم.

س: آیا از تشکیل شورا راضی هستید و در قبال آن چه خواهید کرد.

ج: کاملاً راضی هستیم و ما از شورا پشتیبانی می‌کنیم و شورا باید خواسته‌های ما را برآورده کند.

س: چه خواسته‌هایی دارید و چه مشکلاتی را در کارخانه می‌بینید؟

ج: اضافه حقوق ما را که حدود ۱۴٪ بیکار در آبان ۵۷ و بیکار بعد از انقلاب به‌مقدار ۱۵٪ اضافه

### بنیاد علوی

بنام خدا

گزارشی از سازمان بنیاد علوی

این سازمان که همان بنیاد پهلوی سابق باشد در حال حاضر با مدیریت آقای مهندس سالور به‌کار خود ادامه میدهد. ایشان با حفظ سمت مدیرعامل فارسیت ایران (اسمان فارس خوزستان) از طرف آقای مهندس بازرگان عهده‌دار این سمت شده‌اند. آقای سالور سالهای سال است که تمام معیارهای اسلام را به‌خیال خودشان عمل کرده‌اند و اکنون نیز جای مهر نماز در پیشانی ایشان باقی است. در صداقت و پاک‌وی شکی نداریم و در اینکه شخص ایشان هیچ‌گونه تسامی به‌مادبات ندارند. اما از اینها که بگذرایم اصلاً در طول تاریخ جنگ و دعوی بر سر پیش بوده است. به‌عبارت نوع تلفی و برداشت از یک مکتب. آقای سالور با صداقت و پاک‌وی اما بدون داشتن تکیه‌گانه مکتبی و اسلامی اصیل دوروبر خود را بر کرده‌اند از افرادی دزد و ضد انقلابی که اگر فقط هر کدام یک مهر نماز در جیب بگذرانند و یا بدروع خود را روحانی زاده معرفی کنند از بهترین مژا یا بهره‌مند میگردند. این مسئله را حتی به‌آقای نخست‌وزیر نیز تذکر داده‌اند و ایشان در جواب گفته‌اند: آقای سالور منافع خود را ملحوظ نمی‌کنند و این کافی است تا در صداقت کسی شک نکنیم. این منطق و استدلال در یک مرحله درست است اما اگر این شخص نماینده اموال این ملت محروم و ستمدیده باشند و نامردمان و غارتگران با یک ماسک دروغین منذهب دوروبرش را بگیرند مسئله چنه میشود. برای نمونه یک مورد را که خوددقیقاً شاهد بودیم مثال میزنیم: شرکت سد کو - سد ایران یک شرکت بزرگ حفاری در اهواز است که ۵۰٪ از ۱۵۰٪ آن متعلق به‌مسلمت ایران (در اختیار بانک بازرگانی و بنیاد علوی است) و ۱۵٪ دیگر متعلق به‌دولت امریکاست که البته عملاً اینستور است و ممکن است تمامی سهام امریکایی اعلام شود. شخصی بنام مهندس جلالی که نماینده ۱۵٪ سهام بنیاد علوی یعنی نماینده برای حفظ بیت‌المال این ملت فقیر است. در جلساتی که با هیئت مدیره دزد و خائن شرکت در محل شرکت در تهران داشتیم شخص مذکور نیز شرکت می‌نمود و عجیب اینکه وی بجای دفاع از منافع ملت سنگ هیئت مدیره را به‌سینه میزد و بعد معلوم شد که ایشان با هیئت‌مدیره از یک آخور می‌خورند. مسئله چندین بار با مهندس سالور مطرح شده بود ولی ایشان اذعان دارند که آقای مهندس جلالی سید اولاد بی‌غیبر است و نمازخوان هم هست و کاملاً متین است جای بحث اصلاً ندارد. بهیچ روی نمی‌گذرند که یک چنین شخصی منافع ملت را نادیده بگیرد چاره‌ای نبود. تحقیقات بیشتری کردیم متوجه شدیم که شخصی مذکور جمعاً ۶۰۰۰۰۰ ریال حقوق ماهیانه از بنیاد علوی و سیمان آبیگ دریافت می‌کند!! یعنی آقای سالور نامبرده را با حقوق ماهیانه ۴۰۰۰۰۰ ریال از سیمان آبیگ با حفظ سمت بعنوان نماینده بنیاد علوی لولو سر خرمن کارگران و محروم و استثمار شده شرکت‌های حفاری قرار داده است اما بدون اینکه خودشان متناهی داشته باشند صرفاً به‌دلیل نداشتن آگاهی و بی‌بسی مکتبی، به‌جهت حفظ ارزشهای انقلابی و اصل امر بمعروف و نهی از منکر و نیز این نکته که امام دأماً می‌فرماید. اگر کسی پایش را کج گذاشت تذکر دهید مجبور به‌افتخاری شدید.

و السلام علی من اتبع الهدی یکی از کارگران شرکت حفاری سد ایران - سد کو - اهواز

و با این عمل یک سؤال بی‌جواب را دولت موقت انقلاب پیش روی ما گذاشت آیا مسئولین امور اجرایی تصور می‌کنند که سرمایه‌داران آلت دست امپریالیسم در جهت تحقق آرمانهای توحیدی عمل خواهند کرد؟ و یا به‌جهت ضد انقلاب خواهند پیوست؟ بدون دگرگون کردن سریع نظام وابسته به امپریالیسم حتی استقلال مملکت را نیز در خطر جدی می‌بینیم. خلق مستضعف ما در برابر چنانچه کارکنان رژیم ایستاد تا بر ویرانه‌های کساح ستمگران حاکمیت مستضعفین را بنا کنند. و ما تصور می‌کنیم که این حاکمیت را و یا به‌عبارت کلی تر حاکمیت الله را با استناد به‌آیه «امرهم نورا

بینهم، تنها از طریق تشکیل شوراهای اسلامی در کارخانجات، روستاها، شهرها، پادگان‌ها، و ادارات می‌توان تحقق بخشید. اگر امروز این فرصت‌های لحظه به‌لحظه را از دست دهیم و در خلاف جهت حقوق حقه مستضعفین گام برداریم تاریخ فردای انقلاب از دولت بعنوان ضد انقلاب یاد خواهد کرد.

و فریاد خشم خروشان مردم اسلام اصیل را بار دیگر تجربه خواهند کرد و این وعده خداست.

موقت انقلاب پیش روی ما گذاشت آیا مسئولین امور اجرایی تصور می‌کنند که سرمایه‌داران آلت دست امپریالیسم در جهت تحقق آرمانهای توحیدی عمل خواهند کرد؟ و یا به‌جهت ضد انقلاب خواهند پیوست؟ بدون دگرگون کردن سریع نظام وابسته به امپریالیسم حتی استقلال مملکت را نیز در خطر جدی می‌بینیم. خلق مستضعف ما در برابر چنانچه کارکنان رژیم ایستاد تا بر ویرانه‌های کساح ستمگران حاکمیت مستضعفین را بنا کنند. و ما تصور می‌کنیم که این حاکمیت را و یا به‌عبارت کلی تر حاکمیت الله را با استناد به‌آیه «امرهم نورا

بینهم، تنها از طریق تشکیل شوراهای اسلامی در کارخانجات، روستاها، شهرها، پادگان‌ها، و ادارات می‌توان تحقق بخشید. اگر امروز این فرصت‌های لحظه به‌لحظه را از دست دهیم و در خلاف جهت حقوق حقه مستضعفین گام برداریم تاریخ فردای انقلاب از دولت بعنوان ضد انقلاب یاد خواهد کرد.

و فریاد خشم خروشان مردم اسلام اصیل را بار دیگر تجربه خواهند کرد و این وعده خداست.

موقت انقلاب پیش روی ما گذاشت آیا مسئولین امور اجرایی تصور می‌کنند که سرمایه‌داران آلت دست امپریالیسم در جهت تحقق آرمانهای توحیدی عمل خواهند کرد؟ و یا به‌جهت ضد انقلاب خواهند پیوست؟ بدون دگرگون کردن سریع نظام وابسته به امپریالیسم حتی استقلال مملکت را نیز در خطر جدی می‌بینیم. خلق مستضعف ما در برابر چنانچه کارکنان رژیم ایستاد تا بر ویرانه‌های کساح ستمگران حاکمیت مستضعفین را بنا کنند. و ما تصور می‌کنیم که این حاکمیت را و یا به‌عبارت کلی تر حاکمیت الله را با استناد به‌آیه «امرهم نورا

بینهم، تنها از طریق تشکیل شوراهای اسلامی در کارخانجات، روستاها، شهرها، پادگان‌ها، و ادارات می‌توان تحقق بخشید. اگر امروز این فرصت‌های لحظه به‌لحظه را از دست دهیم و در خلاف جهت حقوق حقه مستضعفین گام برداریم تاریخ فردای انقلاب از دولت بعنوان ضد انقلاب یاد خواهد کرد.

و فریاد خشم خروشان مردم اسلام اصیل را بار دیگر تجربه خواهند کرد و این وعده خداست.

موقت انقلاب پیش روی ما گذاشت آیا مسئولین امور اجرایی تصور می‌کنند که سرمایه‌داران آلت دست امپریالیسم در جهت تحقق آرمانهای توحیدی عمل خواهند کرد؟ و یا به‌جهت ضد انقلاب خواهند پیوست؟ بدون دگرگون کردن سریع نظام وابسته به امپریالیسم حتی استقلال مملکت را نیز در خطر جدی می‌بینیم. خلق مستضعف ما در برابر چنانچه کارکنان رژیم ایستاد تا بر ویرانه‌های کساح ستمگران حاکمیت مستضعفین را بنا کنند. و ما تصور می‌کنیم که این حاکمیت را و یا به‌عبارت کلی تر حاکمیت الله را با استناد به‌آیه «امرهم نورا

بینهم، تنها از طریق تشکیل شوراهای اسلامی در کارخانجات، روستاها، شهرها، پادگان‌ها، و ادارات می‌توان تحقق بخشید. اگر امروز این فرصت‌های لحظه به‌لحظه را از دست دهیم و در خلاف جهت حقوق حقه مستضعفین گام برداریم تاریخ فردای انقلاب از دولت بعنوان ضد انقلاب یاد خواهد کرد.

و فریاد خشم خروشان مردم اسلام اصیل را بار دیگر تجربه خواهند کرد و این وعده خداست.

موقت انقلاب پیش روی ما گذاشت آیا مسئولین امور اجرایی تصور می‌کنند که سرمایه‌داران آلت دست امپریالیسم در جهت تحقق آرمانهای توحیدی عمل خواهند کرد؟ و یا به‌جهت ضد انقلاب خواهند پیوست؟ بدون دگرگون کردن سریع نظام وابسته به امپریالیسم حتی استقلال مملکت را نیز در خطر جدی می‌بینیم. خلق مستضعف ما در برابر چنانچه کارکنان رژیم ایستاد تا بر ویرانه‌های کساح ستمگران حاکمیت مستضعفین را بنا کنند. و ما تصور می‌کنیم که این حاکمیت را و یا به‌عبارت کلی تر حاکمیت الله را با استناد به‌آیه «امرهم نورا

بینهم، تنها از طریق تشکیل شوراهای اسلامی در کارخانجات، روستاها، شهرها، پادگان‌ها، و ادارات می‌توان تحقق بخشید. اگر امروز این فرصت‌های لحظه به‌لحظه را از دست دهیم و در خلاف جهت حقوق حقه مستضعفین گام برداریم تاریخ فردای انقلاب از دولت بعنوان ضد انقلاب یاد خواهد کرد.

و فریاد خشم خروشان مردم اسلام اصیل را بار دیگر تجربه خواهند کرد و این وعده خداست.

### اخباری کوتاه از: «کارخانه سیمان آبیگ»

ما نمایندگان کارخانه سیمان آبیگ برای رسیدگی به‌باقیمانده سود کارخانه به «اداره کل سهام کردن» مراجعه کردیم. مدیر کل اداره آقای اردلان ضمن مطالعه قرارداد اظهار میدارد:

«کارگران در این قرارداد هیچ‌گونه طلبی از کارخانه ندارند» در صورتی که اگر آقای اردلان دقت بیشتری مبذول میداشتند درمی‌یافتند خود قرارداد نشان دهنده غارت کارخانه و حقوق کارگران توسط رؤسای قبلی است. بهر حال کارگران سیمان آبیگ تقاضای یک حسابرس جدید برای رسیدگی بامور کارخانه را دارند. حسابرسان حاضر در اداره بلافاصله اظهار داشتند که آقای سالور (مدیرعامل سابق) بیلان سال ۵۷ را در اختیار ما گذاشتند و رقم این درآمد ۵۴ میلیون تومان می‌باشد. در حالیکه این مقدار، کل مبلغ سود سیمان فارس خوزستان می‌باشد.

نمایندگان کارگران در گفتگویی که با حسابرس اداره «کار و سهام کردن» داشتند باین نتیجه رسیدند که در صورت عدم توافق با وزارت کار ما خود اقدام به‌استخدام یک حسابرس شخصی خواهیم کرد، چرا که به‌آقای سالور که بازمانده رژیم پهلوی در کارخانه است و مدتها در سرکوب و استثمار کارگران شرکت داشته، اطمینان نداریم و شما باید حسابرس مورد نظر را تأیید کنید. اما آقای اردلان و اطرافیان ایشان گفتند که حسابرس مورد ما را تأیید نخواهد کرد. به‌جایه علت؟! نمی‌دانیم. کارگران آبیگ در جواب متذکر شدند چنانچه اداره کار به‌خواستهایشان رسیدگی نمی‌کند دست به‌اعتصاب و نه تح تحضن خواهند زد و نه کارخانه را از کار خواهند انداخت بلکه در همانجا (کارخانه) خواهند ماند و آنها را پایین خواهند کشید.

ما کارکنان کارخانه سیمان آبیگ از دولت موقت خواستار رسیدگی کامل در امور «اداره دفتر مرکزی سیمان خوزستان» هستیم و مسئولان اصلی را آقایان سالور و جلالی که کارگران را به‌شدت بدتر می‌کنند و همگی استثمار می‌کرده‌اند می‌دانیم. نکته تأسف بار اینجاست که در حال حاضر آقای سالور با این سوابق نوم رئیس بنیاد علوی می‌باشند.

بقیه از صفحه ۱

### گزارش مراسم روز قدس

زیر باهای مصمم و با اراده میلیون‌ها تن سمردی که به‌ندای امام لبیک گفته و یا خاسته بودند می‌لرزید و مطین شعارهای الله اکبر و فلسطین پیروز است، اسرائیل نابود است و شوره شوره، حتی النصر و... در مسیرهای مختلف رامی‌بمائی که به‌طرف دانشگاه تهران در حرکت بود، هر آن اوج بیشتری می‌گرفت.

و بار دیگر مشت محکم خلفای ستمده را که بر دهان امپریالیسم - صهیونیسم، وارد می‌آمد کوبنده‌تر می‌کرد.

در این مراسم که در دانشگاه تهران صورت گرفت بدنیال آن نماز جمعه بود که این هفته از شور و هیجان خاصی برخوردار بود.

در طی مراسم که در اول پیام امام به‌مناسبت روز قدس بخش شد و علاوه بر خطبه‌هایی که از طرف آیت‌الله مجاهد طالقانی در اهمیت روز قدس خوانده شد.

برادر هانی الحسن نیز پیامی خطاب به‌ملت ایران و فلسطین از برگزاری روز قدس تجلیل کرد. همچنین آقای خدام وزیر امور خارجه سوریه نیز در این مراسم شرکت داشت و مطالبی در دفاع از حقوق مردم فلسطین و محکومیت سیاست‌های امپریالیستی و صهیونیستی در منطقه ایراد کرد. و بدنیال آن آقای مسجهد شستری سخنانی در اهمیت این روز و وحدت سمردی ایراد کردند. دیروز بیکار دیگر خلق ما پیوند عینق و ناگسستی خود را با خلق سارز قهرمان فلسطین محکم‌تر نمود و نشان داد که حاضر است برادروار در کنار خلق مبارز فلسطین علیه امپریالیسم - صهیونیسم تا پیروزی نهائی بیارزه ادامه دهد.

نابود باد امپریالیسم جهانی سرکردگی امریکا. نابود باد صهیونیسم غاصب پیروز باد خلق قهرمان فلسطین

## خلع ید از صاحبان کارخانه و سپردن امور به شورای اسلامی کارگران تنها راه خروج از بن بست است



### اقتصاد ایران ...

این کارگران در این عساریها و در این کارخانجات میندند. میکوشند، کار میکنند تا اقتصاد غرب بکار افتد. تا سودها عاید سرمایه‌داران داخلی و خارجی گردد، در کارخانجات مونتاز، ایران مثلاً بیشکاف هفتاد درصد از وسائل ماشین از خارج وارد میشود. بنابراین اگر بیشکاف نداشته باشیم دهها کارخانه انگلیسی که در تهیه وسایل بدکی بیشکاف مشغول هستند مجبور به تعطیل خواهند شد و سود سرمایه‌دار انگلیسی بخطر می‌افتد.

امپریالیسم استثمارگر بکنک شاه خستین کارخانجات رنگ و وارنگ در ایران بوجود آورد تا ایرانیان با کار خود سبب سود بردن کارخانجات غربی گردند. کارگران در ایران در شرایط نامساعد زندگی می‌کنند در حالیکه سرمایه‌داران داخلی و خارجی یعنی حافظین و اداره کنندگان این عساریهای انسان پوششان از بارو بالا می‌روند.

امپریالیسم با ایجاد عساری یعنی کارخانجات مونتاز که کالاهای مصرفی مانند تلویزیون و انومیل و غیره میسازند سبب میگردد تا نیروی انسانی از بیخشن کشاورزی فرار کند و بکار در کارخانه مشغول شود. با این کار امپریالیسم بعد از هدف جهانی و ضد انسانی خود دست میسپاید. اول اینکه با تسخیر روستا از

### زمانی میتوان در مقابل امپریالیسم ایستاد یعنی به استقلال سیاسی دست پیدا کرد که شکمهایمان در اختیار خودمان باشد امپریالیسم با ایجاد کارخانجات مونتاز در کنار شهرها مشکل مسکن را بوجود می‌آورد

کشاورزان، کشاورزی را میکشد و جامعه را مسجور می‌سازد تا مواد غذایی لازم خود را از خارج وارد کند و نتیجه سود سرشار عاید امپریالیسم شود. آمریکا تا چند سال قبل گندمهای بیش از سیاز خود را بسوریا میریخت تا با عرضه زیاد گندم در بازار داخلی آمریکا قیمت گندم تنزل نکند و سود سرمایه‌داران کاهش نیابد.

امروزه با کشتن کشاورزی ایران و دایسر ساختن عساریهای گوناگون بنام کارخانجات قد و نیم قد مونتاز و تحت نام خوب صنعتی کردن ایران همان گندمها و همان مواد غذایی را که بدیبا میریخت به ایران می‌فرودند. در اصلاحات ارضی شاه زمینهایی که به بی‌عاش میوه اختصاص پیدا میکرد از تقسیم شدن معاف بود. لذا بسیاری از مالکینی بمنظور فرار از اصلاحات ارضی زمینهای زیر کشت گندم را به باغات میوه تبدیل کردند. از این راه نیز ایران با گندم آمریکا افزایش یافت ولی چون آمریکا نمیتواند میوه بایران صادر کند چون میوه فاسد شدنی میباشد لطمه‌ای بعد از آمریکا وارد نمیشد.

کلیه قوانین دوره پهلوی مانند این قانون به‌زیان مردم و در راه حفظ و گسترش منافع امپریالیسم بود. چطور حکومتی که خود را اسلامی می‌داند میتواند بلافاصله این قوانین ضد مردمی را دردم نریزد و به‌بانه استقرار امنیت و آرامش اجازه دهد که باز هم ایرانی در عساری غرب استثمار گردد. دوم اینکه ایجاد عساری آمریکا و امپریالیسم در ایران سبب میگردد تا منافع صنعتی سرشار عاید سرمایه‌داران خارجی گردد. لایه سیرسید چگونه؟ اولاً چون محصول کارخانجات مونتاز یعنی عساریهای غرب در ایران چیزی جز کالاهای مصرفی نیست لذا باید جنماً از نظر اقتصادی نزدیک به بازار مصرف باشد. به این بیان که کارخانجات مونتاز را دیو و تلویزیون و بیخچال و غیره و غیره باید نزدیک به شهرها قرار داشته باشند. وقتی کارخانجات نزدیک شهرها بود، شهرها شلوغ میشوند و روستاها خلوت لذا در شهرها ترافیک ایجاد میشود زیرا وقتی صنعتی شهرها شلوغ شد بزرگ شد مردم برای حمل و نقل و حرکت از خانه عمه به‌خانه از خانه خود به‌محل کار مجبور میشود از ماشین استفاده کند. امپریالیسم توسط شاه اجازه نداد که در این شهر شلوغ سرویس منظم اتوبوس ایجاد شود لذا نیاز مردم به‌عاشین سبب گردید تا همه هر چه دارند بفروشند قرض کنند حتی زوئی تا یک بیشکاف، زیان، قیات قسطی یا نقدی بخرند. خریدن بیشکاف یا (بی، ام، و) یعنی اتومبیل مونتاز داخلی با ساختن خارج سبب میگردد که کارخانجات غرب در اروپا یا آمریکا بکار افتد سود بیگانه افزایش یابد. مردم ایران در ترافیک اعصابشان خرد میشود، سلامتشان در هوای آلوده از دود سموم آگروز ماشینها بخطر میفتد و حتی بعضی سگته می‌کنند ولی امپریالیسم نه تنها با گسترش کارخانجات مونتاز و تسویق مهاجرت از روستا به‌شهرها سبب شلوغ شدن شهرها میشود بلکه بوسیله آبدی خود در حکومت اجازت نمیدهد که یک سیستم زمانی بندی شده و مرتب اتوبوس در شهرها از فشار ترافیک کم کند. زیرا اگر چنین کنند دیگر ماشینهای بیشکاف و زیان و بنز و قیات و غیره وی را چه کسی و چرا بخرند. وقتی بیشکاف میخرند، وقتی بنز

### آیت‌الله طالقانی: اگر خدای نخواسته به همین منوال پیش برود، مستبدینی بر همه ما مسلط خواهند شد

و بعد مستبدین از هر سو بر شما مسلط میشوند.

#### علی، مظهر اسلام

سیاست اسلام برعکس تمام سیاست‌های دنیا، سیاست صداقت و صراحت است. اسلام که مظهرش علی است نمی‌تواند بهر وسیله‌ای به‌هدف که ادامه حکومت است برسد و دست‌یابد. در اسلام حق شکست‌خورده نیست. همانطوریکه علی شکست نخورد، کشته شد ولی شکست نخورد، ما نمی‌خواهیم مثل سیاستمداران دنیا فریبکاری کنیم، بازی در بیاوریم و اغفال کنیم، وعده دروغ بدهیم و گول بزنیم و بی‌جهت وعده آب و نان بدهیم و عمل نکنیم، زیرا فریبکاری و اغفال سیاست اسلام نیست، انقلاب ما انقلاب اسلامی است... این خون علی است که میجوشد. ما خون دادیم برای این که منطبق علی را که منطبق اسلام است، زنده کنیم. این عظمت و شکوه شهادت از علی شروع شد و تا به امروز ادامه دارد. این خونها که در خیابان‌ها ریخته شد فراموش نکنید. این خونهاییکه در زندانها ریخته شد فراموش نکنید. ما خون دادیم، خونی که از متن مکتب ما جوینده یعنی مکتب علی و مکتب اسلام و ما با این خونها اجازه نخواهیم داد که مردمی فرصت طلب و خودخواه و وابسته بدیگران و خارج از مرز بخواهند مسیر انقلاب ما را منحرف کنند... این خون نه‌بهدی ما است. این خون کسانی است که در گوشه زندانها و اطراف بیابانهای اویسن هنوز آوارش باقی است و ما راضی نیستیم که این خونها با بازی‌گری عده‌ای اثر و جوشش آن از بین برود.

#### عنصر مستبد را طرد کنید

عنصر مستبد، زراعت، کار تولیدی و استقلال اقتصادی را از بین می‌برد و نسلی را هم فاسد میکند. نسلی که نه فکر از خود داشته باشد و نه روی فکر و اندیشه خود بایستد و نه دارای استحکام اخلاقی باشد، بلکه انسانهایی باشند که آلت دست باشند و بگو زنده باد، بگو مرده باد و مثل گوسفند با مردم رفتار کردند. ولی سینه مستبد با اراده خدا تضاد دارد، خدای زمین و آسمان فساد را دوست ندارد. پس مقصد را دوست ندارد و او را بگوشه‌ای پست میکند... من بسیار متعجبم وقتی باینجا می‌آیم و هر چه فکر میکنم چیزی بنظم نمی‌رسد، فقط می‌خواهم بنشینم گریه کنم. گریه کنم بحال ملتی که آن وحدت یگانگی، آن تسلیم در مقابل حق و آن نوری که دانت بتدریج تبدیل به‌خصوصیت و جبهه‌گیری و عداوت میشود. این دیگر وابسته به‌هوشیاری شما مردم است که نگذارید این انقلاب عظیم و توحیدی و اعجاب‌انگیز ما بدست منشی خودخواه، خودپرست که همه چیز را برای خودشان می‌خواهند بعد بگریه‌ها و جنگهای داخلی تبدیل شود

#### تفتیش عقاید نکنید

یک عده باج‌بگیرها همه را می‌خواهند بجان هم بیندازند باسم اسلام، علی همین وضع را بعد از خودش میدید که این کلمات را در آن آخرین نفس می‌فرمود، بدانید دو رکن است توحید و سنت و این دو رکن را بیا بردارید. مردم نادان اینقدر سرپرسم نگذارید، تفتیش عقاید نکنید، بنماچه وقتی می‌گویند ظاهر من مسلمان است، بگویند خیلی خوب توهم مسلمانی. کسی که به‌نما و به‌اسلام سلام میکند نگو که مسلمان نیست، بعد می‌فرماید خدا که دارد میگذارد شما چرا نمیگذارید... علی رفت ولی این مسئولیت بزرگ و این اصالت الهی یعنی این عدل و قسط اسلامی و این مسئولیت عظیم را بعهده همه مسلمانها خصوصاً شما نسیم‌ها واگذار کرده و از خدا بخواهید که بتوانید علی‌وار زندگی کنید، علی‌وار سخن بگویند و علی‌وار بعیرید.

### طرح پیشنهادی جهت ملی کردن صنایع کشور

در سیستم سرمایه‌داری از آنجائیکه قدرت در دست سرمایه‌دار و دارنده ابزار تولید است و این قدرت که در مرحله نخست همان بورژوازی است که در محدوده و حیطه خود اعمال قدرت می‌نماید و نظر به اینکه سرمایه و ثروت در سیستم سرمایه‌داری ساعت متراکم‌شدن بیشتر سرمایه و ثروت میگردد بتدریج این ابزار تولید و سرمایه هر چه بیشتر در دست بورژواها و سرمایه‌دارها متراکم‌تر و بر اثر آن حیطه قدرت آنان را بیشتر می‌نماید بطوریکه عملاً می‌بینیم در کشورهای سرمایه‌داری قدرت اداری کشور نیز در دست سرمایه‌داران قرار میگردد و این کارتها و ترانستها هستند که سرنوست کشورها را تعیین می‌کنند و بنا بر این در این کشورها صحبت از آزادی و دموکراسی یعنی واقع کلمه (حق تعیین سرنوست) نمی‌تواند واقعیت داشته باشد زیرا قدرت در دست طبقه خاصی بنام سرمایه‌دار است که اجتماع را بدنبال خود به‌جهتی که مایل هستند سوق میدهند و این سوق میتواند بصورت‌های مختلف تسلیفات فرهنگی، ایجاد احتیاجات کاذب مصرفی، ایجاد مشغولیت‌های غیر سالم برای تغییر جهت فکر اجتماعی و ... خود را نشان دهد و همین سلسله نیز در مورد

از تمرکز قدرت در دست گروه خاصی جلوگیری نمود بهترین راه تقسیم قدرت بین تک‌تک افراد اجتماع میباشد. یکی از بزرگترین عوامل قدرت همان قدرت اقتصادی است که نباید آنرا در اختیار گروه خاص چه سرمایه‌دار و چه دولت قرار داد تا بتوانند از آن بعنوان تحکیم قدرت خویش استفاده نمایند و از آن جهت تثبیت قدرت و تحمیل دیدگاه‌های خویش استفاده ننمایند بهترین راه تقسیم قدرت اقتصادی یا همان ملی کردن واقعی صنایع می‌باشد، نه دولتی کردن آنها.

هدف از ملی کردن صنایع این است که سرمایه و ابزار تولید صنایع باید متعلق به‌کارگران آن صنعت و کلیه افراد جامعه باشد طوری که خط مشی آن صنعت نتواند توسط گروه خاص تعیین شود بلکه خط مشی صنایع توسط کل اجتماع و با حداقل اکثریت افراد اجتماع یا راه‌مائی دولت تعیین گردد و بدین ترتیب قدرت اقتصادی در سطح کل جامعه تقسیم میگردد و از آنجائیکه حسن نفع‌طلبی افراد را نباید نادیده گرفت. چنانکه اگر برای آن آزادی کامل در نظر گرفت امکان بروز سرمایه‌داری و بورژوازی شدت تقویت میشود و اگر به‌آن اهمیت نداد باعث جلوگیری از پیشرفت اقتصادی و صنعتی شده و از مرغوبیت کالاهای تولیدی بعلت نبودن حسن نفع‌طلبی و رقابت می‌کاهد و موجب بالا رفتن ضایعات تولیدی میگردد.

- ۱- برای هر شخصیت حقوقی یا حقیقی در یک شرکت با گروه تولیدی باید یک حداکثر ریالی سهم و همچنین یک حداکثر درصدی در تقسیم‌گیری‌ها قائل شد.
- ۲- هر صنعت باید همیشه سهام جهت ارائه به‌تقاضاکننده (خریدار سهام) داشته باشد و هر شخص چه حقوقی و چه حقیقی هر مقدار سهام در هر زمانی که تقاضا کند شرکت مزبور باید با توجه به‌ماده ۱ سهام جهت فروش داشته باشد.
- ۳- برای فروش سهام به‌کارگران هر صنعت یا نهیلاتی با توجه به‌ماده ۱ قائل شد طوری که آنان از سهولت بیشتری برای خرید سهام بتوانند استفاده نمایند. مثلاً بتوانند مبلغ سهام خریداری را طی یکسال به‌اقساط پرداخت نمایند.

الف: کلیه افراد اجتماع می‌توانند در کلیه صنایع سهامدار باشند و از آنجائیکه نباید هیچ شخصیتی اقتدر قدرت تقسیم‌گیری داشته باشند که با توافق چند شخصیت دیگر بتواند قدرت اصلی را در دست بگیرد بنا بر این سود و قدرت تصمیم‌گیری در سطح اکثریت اجتماع تقسیم میگردد.

ب: مسئله انتفاع شخصی در نظر گرفته شده و افراد اجتماع ترجیح به‌مصرف کالاهای ساخت داخل شده و از آنجائیکه در مجموع اجتماع خود تصمیم‌گیرنده تولید و مصرف‌کننده کالا می‌باشند به‌بهبود کالا و کاستن هزینه تولید کمک می‌نمایند چون منافع و مضرات سطح قیمت‌ها مستقیماً به‌خود مصرف‌کننده که تولیدکننده نیز هست مربوط میگردد کمک زیادی به‌رسیدن به‌بهترین سطح قیمت‌ها می‌شود.

ج: قدرت مالی صنایع تقویت میگردد و همیشه بر اثر فروش سهام قدرت مالی جهت گسترش و تهیه امکانات بیشتر تولید موجود میگردد و چنانچه سود دهی بیش از حد لازم باشد و با بر اثر برنامه‌ریزی‌های اقتصادی کشور توسعه صنعت بخصوص لازم به‌محدود شدن و با توسعه سریعتر بایستد دولت می‌تواند با سیاستهای مالیاتی و با تسویقی سرعت خرید سهام آن صنعت بخصوص را محدود و با سرعت بخشد.

د: در صورتیکه سهام فروخته شده بیش از احتیاجات آن صنعت باشد دولت می‌تواند آن مبالغ اضافی را بعنوان سربزه از صنعت مربوط دریافت دارد و در مقابل نهیلاتی جهت آن فراهم آورد و یا اینکه با تسویق دولت سرمایه‌های زیادی مذکور به‌سمت صنایع دیگری که لازم به‌سرمایه‌گذاری هستند سوق داده شود.

ه: بنا بر این دولت باید سیاست مالیاتی خود را طوری تنظیم نماید که تورم سرمایه در صنعت بخصوص متمرکز نگردد و سرمایه‌ها به‌سمت صنایع مورد احتیاج سوق داده شود و با نهیلاتی که برای صنایع کم‌سود ولی مورد لزوم فراهم می‌آورد سرمایه‌ها را به‌آن جهت سوق دهد.

و: این طرح باعث میشود تا سود حاصل از صنایع تا حد امکان در سطح اجتماع تقسیم گردد ولی دولت باید سیاست مالیات بر مجموع درآمد را آنچنان تنظیم نماید که باعث نگردد تا گروه خاصی در اکثریت صنایع دارای سهام به‌مقدار زیاد گردند طوری که سرمایه‌داری بشکل دیگری خودنمایی کند برای این منظور پیشنهاد میشود که کلیه سهام با نام باشند و خرید و فروش سهام با ذکر تغییرات در دفتر سهام شرکت مربوط آزاد باشند و هر شرکت متعهد باشد که در آخر هر سال تغییرات انجام

#### توضیح

در پاسخ جمعی از برادران و خواهرانی که در چند روز گذشته درباره علت عدم شرکت در جلسه میزگرد هفته قبل پلی تکنیک تهران سوال کرده بودند لازم به‌توضیح است که گردانندگان مزبور قبلاً تماسهایی گرفته بودند. ولی بدون آنکه موافقتی بشود بی‌آنکه اطلاع بدهند مرا جز شرکت کنندگان اعلام می‌کنند و بعداً هم دلالتی به‌عنوان عذر عدم شرکت اینجانب از پیش خود اظهار می‌دارند. که بدیهی است این نحوه رفتار با اصول تقوی و امانت مطابقت ندارد.

جیب‌الله پیمان  
۲۸ / مرداد / ۵۸

### نابود باد امپریالیسم، صهیونیسم و ارتجاع



# کاپوچی خدمتگذار، پدر و دوست



او را اخراج کرد. و واتیکان نیز به نوبه خود، پدری که برای وی شعلی خارج از خاورمیانه در نظر گیرد.

وی برای یکسال به عنوان نماینده کلیسا در مجتمع های کاتولیک آمریکای جنوبی برگزیده شد. اینک ناظر روحانی در کلیسای اروپا است.

کاپوچی خود را علاوه بر یک مسیحی، یک عرب می شناسد و در مصاحبه اش با "میدل ایست" اظهار کرده که نمی تواند این دو را از یکدیگر جدا کند. اما تأکید کرد "قبل از هر چیزی من یک مسیحی هستم، یعنی یک پیرو مسیح و مسیح تحسم عینی دستگیری (از ممنوع) است. تنها کمک و باری ماندنی است. آنها که باری می کنند با خدا خواهند بود و کسانی که نمی کنند به جهنم خواهند رفت. باری رساندن تنها یک احساس صرف نیست، زندگی و عمل است و هر کس باید ایمان در زندگی اش نشان دهد. سنت پل گفته است که ایمان بدون عمل یک ایمان مرده است. و این چیزی است که من بعنوان یک مسیحی در رابطه با فرزندانم، فلسطینی ها، سعی کرده ام انجام دهم."

کلیسای ارتدکس ملکات، اتوریته واتیکان

وارد کلیسا شد ناشی را ایتالیا نیزه کرد. قبل از ورود به خرقة کشی وی به عنوان یک عضو فعال حزب بعث شناخته شده بود و هویت عربی اش و آنچه بر این امر دلالت دارد، همواره برای وی از اهمیت زیادی برخوردار بوده است. او می پرسد "چگونه من، یک فرزند امت عربی که فلسطین را عضوی از بدن خود می داند، می توانم در رنج آن کشور و مردمش سهیم نباشم؟ ملیت عربی ام مرا به عنوان انسانی که حقوق هموطنانش مورد تجاوز یا بی اعتنائی قرار گرفته اند، و ادار به نشان دادن عکس العمل می کند." تعهد وی نسبت به مسئله فلسطین بسیار عمیق بوده و مورد احترام رهبری فلسطین می باشد. استقبال مقامات سازمان آزادی بخش فلسطین از وی و اینکه خود عضوی از شورای ملی فلسطین است نشانه هایی از این احترام می باشد.

"مسئله فلسطین دو چهره دارد یک چهره سیاسی و هم یک چهره انسانی. یک مرد کلیسا باید از مسئله ای که بر پایه انسانیت، حقوق و عدالت، قرار دارد حمایت کند. در روز برگزیده شدن بعنوان یک کشیش، خداوند یک کشور، فلسطین، و فرزندانش، فلسطینی ها را، به من واگذار کرد. و در روز قضاوت، من مجبور خواهم بود که در برابر این مسئولیت به خداوند پاسخگو باشم. خداوند از من خواهد پرسید: برای فلسطین چه کرده ای؟ برای فرزندان غمگینش چه کرده ای؟"

من بر علیه صهیونیسم می جنگم نه یهودیان

کاپوچی اصرار داشت که (احساسات) ضد یهودیت هیچ نقشی در فعالیت هایش ندارد. "من خود نیز یک یهودی هستم. اما بوسیله نژادپرستی برانگیخته نشده ام. یهودی برادر من است. ما همه خلاق خدا هستیم و به مذهب یهود مانند مذهب خودم احترام می گذارم. چیزی که من با آن می جنگم صهیونیسم است، نه یهودیان که نزدشان زیسته ام و به ایشان همواره عشق ورزیده ام. من می فهمم که در غرب چرا مردم درباره یهودی ها، که مورد تجاوز و بد رفتاری قرار گرفتند، وجدان ناراحتی دارند. اما چرا ما عربها که هیچ عملی بر علیه یهودیان انجام نداده ایم مجبور به جبران آن هستیم؟ چرا ما باید کشورمان را تسلیم کنیم؟ چرا آلمانها بخشی از سرزمینشان را تسلیم نکردند؟

"من یک سیاستمدار نیستم، اما اگر یهودیان در موقعیتی بودند که ما امروز خود را در آن می یابیم، من آنچه را که امروز برای فلسطینی ها می کنم با همان پیگیری و اطمینان برای آنها انجام می دادم." اگرچه کاپوچی دیگر نمی تواند مستقیماً برای فلسطینی ها کار کند، آنچنانکه در گذشته کرد، اما شکی نیست که وی از طریق فشار بر درک بیشتر مسئله از جانب واتیکان هر آنچه از دستش بر آید خواهد کرد.

"من از پدر مقدس تقاضا کردم که با عجله راه حلی برای اورشلیم بیاید، نه تنها به بعنوان یک شهر بلکه بعنوان قلب فلسطین. من از پدر مقدس خواستم که در رابطه با این مسئله انسانی، مسئله فلسطین، موضع بگیرد. پدر مقدس بخوبی مسئله را درک کرد و موافقت نمود که به راه حلی که به هر کس سهم عادلانه خود را بدهد، نیاز فوری

لهستان انجام داده است. او با نازیها جنگید. به بیان دیگر وظیفه اش را بعنوان یک کشیش انجام داده است. تحت شرایطی که وی عمل می کرد او زرمند خوبی بوده است. من هم دقیقاً همان کار را برای فلسطین می کنم. من هم همانند او با اشغال خارجی جنگیدم. "وی افزود "بعنوان یک کشیش و یک رهبر دینی من سعی کردم به فرزندانم خدمت کنم و در پراکتیک باری دهنده باشم. اما بخاطر انجام وظیفه و حمایت از آنان به زندان افتادم."

کاپوچی احساس می کند که بعنوان نتیجه این بی گیری ها، او اطمینان جهان اسلام را بدست آورده است و بین جوامع مسیحی و مسلمان از موقعیت یکنواختی برخوردار است. و شورای واتیکان در امور غیر مسیحیان و در رأس آن کاردینال پیکنگ ولی نواصر در ایجاد رابطه نزدیکتری بین دو مذهب بر پایه "دوستی و برادری" دارد.

- چیزی که من با آن می جنگم صهیونیسم است، نه یهودیان که نزدشان زیسته ام و با ایشان همواره عشق ورزیده ام.
- چگونه من، یک فرزند امت عربی که فلسطین را عضوی از بدن خود میدانم، می توانم در رنج آن کشور و مردمش سهیم نباشم؟
- خداوند از من خواهد پرسید: برای فلسطین چه کرده ای؟ برای فرزندان غمگینش چه کرده ای؟

نماینده آنچه که کلیسا باید بر آن بافتاری کند می باشم. من از یاپ درخواست کردم که اجازه دهد تا پلی بین کلیسا و دنیای مسلمان، که مورد اعتمادش هستم، باشم."

در باره "منوعیت کاپوچی از بازگشت به دنیای عرب، دیدگاههای مختلفی در واتیکان وجود دارند. "بعضی می گویند که من اصلاً نباید به آنجا بروم و بعضی معتقدند کافی است که بطور دائمی در یک کشور عربی مستقر نشوم. در هر حال، پدر مقدس قول داد که نظریات مرا هم در نظر بگیرد."

او امیدوار است که روزی به اورشلیم بازگردد و این امر که هنوز رئیس امور مذهبی آن منطقه می باشد وی را علیرغم برگزیده شدنش به عنوان ناظر کلیسا (در اروپا) تشویق می کند. وی در سال ۱۹۶۵ به اورشلیم فرستاده شد و تا زمان دستگیری اش در ۱۹۷۴، هفت سال تحت اشغال اسرائیلی زندگی کرد.

"من حتی قبل از اسارت، رنج می بردم و رنج رابطه ها را خلق و استحکام می بخشید. من برای کلیسای اورشلیم رنج بردم و زخمهای قلب و بدنم هرگز ناپدید نخواهند شد. همه چیز در قلبم به من می گوید که من در خدمت کلیسای اورشلیم هستم، که همواره بودم و همواره خواهم بود. به فضل خدا، زمانی که مسئله خاورمیانه حل شود، من بازخواهم گشت، و مقامات بالا در این مورد به من قول رسمی داده اند."

کاپوچی از ملیت عربی خود بخوبی آگاه است. وی در آلبو، سوریه، متولد شد و جورج کاپوچی نام داشت و تنها وقتی

را در مسائل اعتقادی می پذیرد اما در مسائل عبادات و دیسیپلین خیر. و کاپوچی افکار خود را دارد که مارها به برخورد هاشی با مقامات بالاتر انجامیده است. اعتصاب غذای وی در ژوئیه ۱۹۷۷، چند ماه قبل از آزادی اش بر علیه "بی اعتنائی" یاپ و کلیسا نسبت به وی بود و شاید این یکی از عواملی بود که واتیکان را وادار به عمل کرد.

او سپس در ژانویه گذشته علیرغم ممنوعیت ورودش به دنیای عرب، در جلسه شورای ملی فلسطین (شرکت جست. همین امر موجب شد که اسرائیل دست به اعتراض بر علیه واتیکان بزند و بدون شک چنین مسئله ای باعث شرمندگی رم گشت. اما کاپوچی در ماه گذشته ملاقاتی با یاپ جان پل دوم داشت و موقعیت خود را برای پدر مقدس توضیح داد. در نتیجه به وی مقامی در اروپا داده شد. که او را به منطقه کلیسای اورشلیم، که هنوز از نظر تکنیکی کنترل می کند، از یکسالی که در آمریکای جنوبی در تبعید بسر می برد نزدیک تر کرد. عده زیادی این حرکت را بعنوان یک انتقال در سیاست واتیکان به سود اعراب می بینند، بخصوص که اطمینان واتیکان به کاتزیر (رئیس جمهور اسرائیل) در ۱۹۷۷ از جانب اسرائیل بعنوان به رسمیت شناختن دولت اسرائیل از طرف واتیکان تلقی شده بود.

کاپوچی احساس می کند که از جهات زیادی با یاپ جدید که برای آزادی لهستان همچنانکه خود برای آزادی فلسطین جنگیده است، مشترک است. "او وظیفه باور نکردنی را برای وحدت کشورش و سعادت مردم

است. وی اضافه کرد که کوشش خود را خواهد نمود که با همه طرفین درگیر با عدالت رفتار شود."

کاپوچی به "میدل ایست" گفت که وی اعتقاد دارد تا زمانی که مسئله فلسطین حل نشود به یک صلح واقعی در خاورمیانه نمی توان رسید. "یک ضرب العطل عربی می گوید برف همه چیز را می بوشاند، حتی چیزهای زشت را اما وقتی که خورشید بیرون بیاید چیزهای زشت دوباره دیده دارم می شوند. من معتقدم که از این پس بیشتر مشخص داده خواهد شد که موافقت های کنونی مسئله ای را که ریشه در بی عدالتی که بر مردم من رفته دارد حل نخواهد کرد. تا زمانی که این بی عدالتی از بین نرود صلحی وجود نخواهد داشت."

ترجمه از میدل ایست ژوئیه ۱۹۷۹

## بقیه از دولت باید

... من با کمال تأسف عرض کنم که یک اشتباه دولتها و ملت های اسلام و خصوصاً دولت و ملت های عرب کرده اند و یک اشتباه هم ما در ایران کرده ایم. اشتباهی که همه مسلمان و خصوصاً دولتها و ملت های عرب کرده اند. این بود که به اسرائیل مهلت دادند و اغراض شخصی دولتها مانع شد از اینکه صدای اسرائیل را در همان اول خفه کنند و نگذارند قدرت پیدا کند و مع الاسف همین اغراض مانع شد که نصیحت های ما را که در طول نزدیک ۲۰ سال فریاد زده ام و آنها را به اتحاد بر ضد اسرائیل دعوت کردم اجابت کنند مهلت دادند تا اینکه مطلب باینجا رسید که الان دست تعدادی از آنها دراز شده است و جنوب لبنان را به آتش میکشند و فلسطینی ها را می خراهند به عقب بزنند و ما گفتیم که اسرائیل این جرئومه فساد به قدس و بیت المقدس اکتفا نخواهد کرد و اگر مهلت پیدا کند و باو مهلت داده نشود تمام دول اسلامی در معرض خطر است. اشتباه سابق باید جبران بشود و اتحاد مسلمان و تشکیل حزب مستضعفین بر مستکبرین تحقق یابد که در رأس آنها آمریکای جانی و نوکر بسیار فاسد او اسرائیل است... و اما اشتباهی که ما کردیم این بود که بطور انقلابی عمل نکردیم و مهلت دادیم باین قشرهای فاسد و دولت انقلاب و ارتش انقلاب و پاسداران انقلاب هیچیک از اینها عمل انقلابی نکردند و انقلابی نبودند.

## انقلابی عمل کنید

اگر ما از اول که رژیم فاسد را نکشیم و این سد بسیار فاسد را خراب کردیم، بطور انقلابی عمل کرده بودیم و قلم تمام مجلات فاسد و مطبوعات فاسد را تعطیل کرده بودیم و رؤسای آنها را به محاکمه کشیده بودیم و حزبهای فاسد را منوع اعلام کرده بودیم و رؤسای آنان را به جزای خودشان رسانده بودیم و جوهای دار را در میدانهای بزرگ برپا کرده بودیم و مفسدین و فاسدین را درو کرده بودیم، این زحمتها بیش نمی آمد.

... من توبه می کنم و از این اشتباهی که کردم و من اعلام می کنم باین قشرهای فاسد در سراسر ایران که اگر سر جای خودشان نشینند ما بطور انقلابی با آنها عمل می کنیم... امام مسلمان هم این طور بودند موقع رحمت، رحمت و در موقع انتقام... دولت باید با نددت رفتار کند، ژاندار مری باید با نددت رفتار کند، ارتش باید با نددت رفتار کند. اگر با نددت رفتار نکند ما با آنها با نددت رفتار می کنیم. ما با خود همین ها اگر مسامحه بکنند باندت رفتار می کنیم. مسامحه حدودی دارد، چلب و چه و وجاهت حدودی دارد، مصالح مسلمان را نمی گذارند باین امور از بین برود... می آمی نهران و بار و سانس که مسامحه می کنند، انقلابی عمل می کنم. قشرهایی از ارتش که اطاعت نمی کنند باید بدانند که من با آنها اگر آمدم انقلابی عمل می کنم. عذرها را کنار بگذارید بروید فاسدها را سرکوب کنید، برسوید توپنه گرها را سرکوب کنید.

... ما امیدواریم که با وحدت کلمه مسلمان مسائل اسلام، مسائل فلسطین، مسائل افغانستان حل بشود. من از خدای تبارک و تعالی خواهرام که مستضعفین را بر مستکبرین غلبه بدهد و زمین را بآنها ببارت عنایت فرماید.

# با خلعید از سرمایه داری وابسته امپریالیسم را بزانو در آوریم



# منتظر باشید، توپ‌ها بیشتر میشود

## آیت‌اله طالقانی

بناسبت روز قدس و چهارمین نماز جمعه در دانشگاه تهران، حضرت آیت‌اله طالقانی طی بیاناتی در دومین خطبه چنین فرمودند:

... باید مسلمانهای دنیا بدانند همه عضو یک پیکر هستند و گمان نکنند که با پی تفاروتی و بدون توجه به درد مسلمانهای دیگر، اینها می‌توانند خود را حفظ کنند و از رنج و درد و آفتانی که متوجه آنها است، نجات یابند... مسئله بیت‌المقدس، مسئله‌ای نیست که تنها مربوط به مسلمین و مسیحین باشد. مسئله انسان آزاد دنیا است. مسئله همه ادیان الهی است. همه مردم دنیا برای نجات بیت‌المقدس و حامیان و نگهبانان آن که فلسطینیها باشند، باید قیام کنند. همه با یکصدا، با یک فریاد و با یک مشت این مرکز وحدتی که تبدیل به مرکز شرک و خودخواهی شده است، پاک کنند... این مرکز باید از لوت صهیونیسم پاک شود و این وظیفه فرد مسلمانان است بگویند امروز را که روز قدس می‌نامیم باید بیش از این شعارها و اجتماعات به عمل پردازیم، مجهز بشویم، همانطور که امام فرمودند: اگر یک سطل آب مسلمانان ریخته بودند، سیلی بود که صهیونیست را از بین می‌برد.

... ملت‌های مسلمان باید خودشان راه بیافتند همه مجهز، همه آماده روزی برسند که همه حرکت کنیم بطرف بیت‌المقدس. ما هم باید آماده باشیم از دستان، دبیرستان، دانشگاه، باید بپنه‌های خردسال ما، زندهای ما، مرد‌های ما بپیر و جوان ما آماده دفاع باشند. دفاع

## دیگر تحمل سکوت و مشاهده پایمال شدن خون شهدا را نداریم

### خون شهدا را نداریم

دیگر نمی‌توانیم ببینیم که با استفاده از فرمایشات امام خمینی، کسانی چون یاسینی‌ها، نجفی‌ها، پرویز حسینی و آلبرت دانیال‌بوروا و صهیونیست‌ها و جنایتکارانی مشهورتر از آنها آزاد شوند. بخون پاک شهدای راه حق قسم با آزادی هر یک نفر از این حیانت‌پیشگان داغ مظلومان تازه‌تر میشود. قلوب ما در داغ غنچه فرزندان بنیم و بدران فرزندان داده جریحه‌دار میشود و ضد انقلاب و ائمه کفر به‌خانه خود باز می‌گردد و به‌ریش مظلومان می‌خندد و توپه می‌کند مگر دست بیلدشان را در حوادث خونبار سراسر مملکت نمی‌بینیم؟ چه فرق است بین شیخ الاسلام‌زاده‌ها و پالیتریان و بخنجر که اکنون مشغول توپه‌اند.

... آخر چگونه و با چه امکانات انسانی کساد قضائی دادرسی انقلاب ترمیم شده که در طرف دوماه به‌پس‌رونده قریب ۱۳۰۰ جنایتکار رسیدگی شده و از زندان آزاد شده‌اند؟؟؟

لاید در سیخ قضات و بازرسان حداقل به ۲۰۰۰۰ پرونده رسیدگی شده و تشخیص داده‌اند که ۱۳۰۰ نفر آنها باید آزاد شوند... همانطور که در جریان هشتمین تاریخ انتصاب آقای هادوی داورستان کسل انقلاب مرکز فشار و اخلاص و کند کردن کار دادرسی انقلاب تهران بوده و عناصری توسط آقای هادوی در آنجا اجتماع کرده‌اند که فاقد هرگونه صلاحیت اسلامی سیاسی می‌باشند.

بازرسان و قضات تحقیق سابق دادرسی انقلاب اسلامی ایران ضمن نامه سرگشاده‌ای به‌دادرستان کل انقلاب، یادآور شده‌اند که چگونه از فرمایشات امام خمینی سوءاستفاده کرده و جنایتکاران و ایدای رژیم سابق، دست‌مسته از زندان آزاد میشوند. بدلیل اهمیت موضوع ما فراهانی از نامه را جهت اطلاع خوانندگان عزیز در ذیل می‌آوریم:

... همانطور که اطلاع دارید قریب دوماه و نیم پیش با یک حرکت غیر اسلامی و غیرمنصفانه، دادرسی انقلاب تهران تصفیه شد و بجز چند نفر بقیه کساد قضائی بدون عنوان شدن کوچکترین دلیل و با توضیحی اخراج شدند.

بلافاصله از چند روز بعد با جعل معنوی فرمایشات و فرامین امام، جنایتکاران، ائمه کفر و وابستگان رژیم سابق، کسانی که آثار شوم جنایتشان بر قلوب مجروح این ملت نقش بسته و تا نابودی کامل آنها بسط‌طرف نخواهد شد در دست‌مست‌های ۲۰۰ نفره از زندان انقلاب آزاد شدند و عاملین این آزادی‌های بی‌رویه با افتخار تمام صفحات روزنامه‌ها را پر کرده‌اند که «بدنبال دستور امام مبنی بر تسریع در رسیدگی به‌پس‌رونده جنایتکاران امروز... نفر از زندان قصر یا اوین آزاد شدند»

هر چه تلاش کردیم که با سکوت خود از وحدت و یکپارچگی اسلامی پاسداری کنیم ولی دیگر تحمل سکوت و مشاهده باعالم شدن خون شهدا را نداریم.

## از دعوت امام برای تشکیل نهضت جهانی مستضعفان استقبال می‌کنیم

و بریدان بن علی‌الرحمن استضعفوا فی الارض و استضعفوا فی السموات و جعلهم الوارثین (۵) قصص) می‌خواهیم بر مستضعفان زمین منت همی و آثار پیشوا و وراثت فرار دهیم

یستگار تاریخی بین طبقات ستمگر و مستکبر از یکطرف و محرومان و مستضعفان از دیگر سوارانده و سنت الهی بر برتری نهایی مستضعفان و پیشوایی و وراثت آنان رقم زده شده است.

این وعده بزرگ الهی فقط و فقط از راه مبارزه بوده‌های تحت ستم با قدرتهای طاغوتی در و زور تحقق می‌یابد. خلق قهرمان مستضعف ما با قیام و انقلاب تاریخی خود یک مرحله از مبارزه را علیه مستکبران یا پیروزی پشت سر نهاده است.

و اکنون همانند گذشته به‌رهبری پیشوای شجاع و سازش‌ناپذیر خود امام خمینی به‌یکبار مقدس خویش برای محو کامل ظلم و استعمار و مناسبات استعماری و استبدادی و حاکمیت محرومان و سرانجام برقراری جامعه توحیدی ادامه می‌دهد. در این نبرد بزرگ تاریخی خلق قهرمان و مسلمان ما در شادوش همه خلق‌های مستضعف جهان در جنگ علیه طبقات مستکبر و قدرتهای طاغوتی به‌پیش می‌رود.

جیش مسلمانان مبارز بر اساس جهان‌بینی توحیدی و ایدئولوژی رهائی بخش اسلامی به‌مبارزه جهانی طبقات مستضعف علیه مستکبران (اصاحیان زر و زور) ایمان کامل داشته دعوت رهبر انقلاب اسلامی ایران را برای تشکیل حزب مستضعفان به‌عنوان یک تضمین محکم جهت تداوم مبارزه و انقلاب خلق محروم ایران علیه مناسبات ظالمانه استبدادی و استعماری و استعماری تا محو کامل طبقات مستکبر و صاحب سرمایه و زور می‌شناسد. و همه امکانات خود را برای تحقق و پیشبرد این هدف مقدس در اختیار رهبر انقلاب ایران می‌گذارد.

جیش مسلمانان مبارز ۱۲۸ / مرداد ۵۸

## وزیر امور خارجه سوریه: سیاست ایران در قبال فلسطین، موجب آسودگی خاطر است

عبدالحلیم مدام معاون نخست‌وزیر و وزیر امور خارجه سوریه، چهارشنبه ۵۸/۵/۲۴، در اس هیاتی مرکب از وزرای اقتصاد و دارائی و اطلاعات وارد تهران شد. وی در فرودگاه مهرآباد اظهار داشت که: بنظر ما نقش ایران در سایه انقلاب اسلامی نقش عظیمی خواهد بود. چه در جهان اسلام و چه در جیش غیرمنتهدها، بدون تردید این روشن آرژنده و والا که از طرف انقلاب اسلامی به‌رهبری آیت‌اله‌العظمی خمینی پیرامون مسئله فلسطین اتخاذ شده، نشانیگر عمق روابط بین عرب و ملت برادر ایران است. آنچه موجب آسودگی خاطر است سیاست ایران در قبال فلسطین است. آنچه در زمانیکه سادات به‌فلسطین خیانت میکند وی افزود که: باید بگویم که سوریه نیز معتقد به‌همبستگی اعراب برای مقابله با قرارداد «کمپ دیوید» است.

## پیام فیدل کاسترو به امام خمینی

فیدل کاسترو، رهبر کوبا، تلگرافی به‌مناسبت استقرار روابط بین جمهوری اسلامی ایران و کوبا به‌امام خمینی فرستاد که متن آن چنین است:

آیت‌العظمی امام خمینی

احتراماً اجازه می‌خواهد بنام ملت و دولت جمهوری کوبا عمیق‌ترین مسرت خاطر خود را به‌مناسبت استقرار مجدد روابط سیاسی بین دو کشور اعلام دارم. مطمئناً این کار حاکی از استقلال و حاکمیت ایران است که ره‌آورد انقلاب می‌باشد و به‌روابط دوستانه و برادرانه بین دو ملت که مبارزه سخنی را علیه امپریالیسم، استعمار، استعمار نو، صهیونیسم و آبارت‌ناید در پیش گرفته‌اند کمک کرده و آن را استوارتر می‌سازد. موقع را برای تأیید هیئت اعزامی شما به‌شعبین کنفرانس کشورهای غیرمنتهده متفق بشمارد. با تقدیم عالیترین اجترامات فیدل کاسترو رئیس شورای دولتی و نخست‌وزیر کوبا

## پیام امام خمینی درباره حوادث پاوه

۲۴ تهر رمضان ۹۹  
۲۷ مرداد ۵۸

بسم‌الله الرحمن الرحیم

از اطراف ایران گروه‌های مختلف ارتش و پاسداران و مردم غیرتمند تقاضا کرده‌اند که من دستور بدهم بسوی پاوه رفته، غائله را ختم کنند. من از آنان تشکر می‌کنم و بدولت و ارتش و ژاندارمری اخطار می‌کنم، اگر با توپها و تانکها و قوای مجهز تا ۲۴ ساعت دیگر حرکت بسوی پاوه نشود، من همه را مسئول می‌دانم. من بعنوان ریاست کل قوا بر رئیس ستاد ارتش دستور میدهم که فوراً با تجهیز کامل عازم منطقه شوند و به‌تمام یادگانهای ارتش و ژاندارمری دستور میدهم که بی‌استنظار

دستور دیگر و بدون فوت وقت با تمام تجهیزات بسوی پاوه حرکت کنند و بدولت دستور میدهم وسائل حرکت پاسداران را فوراً فراهم کنند. تا دستور بانوی، من مسئول این کشتار وحشیانه را قوای انتظامی میدانم و در صورتیکه تخلف از این دستور نمایند با آنان عمل انقلابی می‌کنم. مکرر از منطقه اطلاع میدهند که دولت و ارتش کاری انجام نداده‌اند.

من اگر تا ۲۴ ساعت دیگر عمل مثبت انجام نگیرد، سران ارتش و ژاندارمری را مسئول میدانم و ان‌شاء روح‌الله الموسوی الخمینی

## امام خمینی: اسرائیل دشمن بشریت و دشمن انسان است

### بشریت و دشمن انسان است

دست خود را از روی مستضعفین بردارید و سر جای خود بنشینید. اسرائیل دشمن بشریت و دشمن انسان است که هر روز غائله ایجاد میکند و برادرهای ما را در جنوب لبنان بکش می‌کشد. اسرائیل باید بداند که دیگر اربابهای او رنگی ندارند در دنیا و باید انزوا اختیار کند.

... روز قدس روزی است که باید به‌همه ابرقدرتها هشدار بدهیم که اسلام دیگر تحت سیطره شما بواسطه عمال خیانت شما واقع نخواهد شد. روز قدس روز حیات اسلام است و باید مسلیت بهوش باید بفهمند قدرتی را که مسلمین دارند چه مادی و چه معنوی چه اندازه است.

... ملت بزرگ ما دیگر از این حرکات مذبحخانه نخواهد ترسید. حرکات اسرائیل در جنوب لبنان و نسبت به‌فلسطین هم، همین حرکات مذبحخانه است. حرکاتی است که اوامر امر انشخاص فاسد می‌کنند. چنانچه شاه مخلوع ایران این حرکات را کرد و منتهی بسفا نند... در روز قدس ملت‌ها باید به‌حکومت‌هایی که خائن هستند هشدار دهند. روز قدس روزی است که ما خواهیم فهمید چه انشخاصی و چه رژیم‌هایی با توپه‌گرهای بین‌المللی موافقت دارند و با اسلام مخالف هستند و موافق با اسرائیل و مخالف با اسلام هستند و متعهد هستند و موافق با اسلام و مخالف با دشمنان اسلام که در رأس آنها آمریکا و اسرائیل است. روز قدس روز امتیاز حق از باطل است. روز جدائی حق و باطل است.

امام خمینی بناسبت روز قدس، پنجشنبه ۵۸/۵/۲۵، پیام مهنی خطاب به‌عموم جهانیان فرستادند که قسمت‌هایی از پیام در ذیل آورده میشود:

روز قدس روز جهانی است، روزی نیست که فقط اختصاص به‌قدس دانسته باشد. روز مقابله مستضعفین با مستکبرین است. روز مقابله ملت‌هایی است که در زیر فشار ظلم آمریکا و غیر آمریکا بوده‌اند.

روزی است که باید مستضعفین مجهز بشوند در مقابل مستکبرین و دماغ مستکبرین را بسخاک بمانند... روز قدس روزی است که باید این دنباله‌روهای رژیم سابق در ایران و توپه‌چین‌های رژیم‌های فاسد و ابرقدرتها در سایر جاها خصوصاً در لبنان تکلیف خودشان را بدانند. روزی است که باید همت کنیم که قدس را نجات بدهیم و برادران لبنان را از این فشارها نجات بدهیم... روز قدس روزی است که باید باین روشنفکرانیکه در زیر پرده با آمریکا و عمال آمریکا روابط دارند هشدار داد. هشدار باینکه اگر از فصولی دست پسراندارند، سرکوب خواهید شد. ما به‌آنها مهلت دادیم و با آنها با ملایمت رفتار کردیم که نتایسدست از نیطت بردارند و اگر دست برندارند، کلمه آخر را خواهیم گفت و با آنها خواهیم فهماند که رژیم سابق قابل برگشت نیست و دیگر آمریکا و سایر ابرقدرتها نمیتوانند باینجا حکومت کنند. روز قدس روزی است که باید به‌همه ابرقدرتها هشدار داد که باید

## یهودی کردن بیت‌المقدس

فلسطین اشغالی ۱۹۷۸/۸/۱۱ وفا

روزنامه صهیونیستی «هآرتس» که در سرزمین اشغالی منتشر میشود، سونت: اسرائیل قصد دارد بیت‌المقدس را از بقیه شهرهای فلسطینی جدا کرده و زمینه را برای اجرای سیاست یهودی کردن این شهر آماده سازند. این روزنامه می‌افزاید: این تصمیمات صهیونیستها، احساس ملی فلسطینی‌ها را زنده کرده و آنها را وادار میکند. انتخاب هر شهر فلسطینی دیگر را غیر از بیت‌المقدس بعنوان پایتخت فلسطین رد نماید.

## تحویل دستگاههای شناسائی و ردیابی آمریکائی به‌مراکش

آفریقای جوان ۲۲ اوت ۱۹۷۹

با تحویل این دستگاهها سطح کنترل و مراقبت ارتش مراکش از صحرای ساخری بطور قابل ملاحظه‌ای بالا خواهد رفت مکان استقرار این دستگاهها بیشتر در مناطق «تاتان»، «اسره»، «بیرلاهلو» و دیگر محلهای استراتژیکی می‌باشد. باید یادآور شد که تا زمان استقرار این وسائل، یکی از ضعف‌های اصلی مراکش در صحرا شامل کفونو این نوع سیستم کنترل بوده است.

## بقیه از صفحه ۶

### طرح پیشنهادی

نده در سهامداران را به‌دراستی جهت محاسبه مالیات بر مجموع درآمد ارائه دهد.

ز: در صورت حذف بهره پس‌انداز که در سیستم اسلامی پیش‌بینی میشود باعث میگردد که تا مقدار زیادی از کثرت شدن پول نزد مردم جلوگیری نماید.

«نوشته زیر بوسیله یکی از خوانندگان است برایمان فرستاده شده، که در مجموع برای درج در نشریه مفید تشخیص داده شده»

لطفاً وجوه نشریه‌ها را به‌حساب جاری شماره ۴۰۰ بانک صادرات شعبه تخت‌طاووس روزولت واریز نماید

**هفته نامه امت شماره ۱۹**

**چهارشنبه ۳۱ مرداد ۱۳۵۸ سال اول**

**زیر نظر:**

**شورای نویسندگان امت**

**خیابان بهار شمالی نش خیابان نامجو**

۸۲۴۹۸۴ - ۸۲۴۸۳۱

جاب شرکت است و سهامی عام